

۱- (برگرداندن طبیعی نوشته یا گفته ای از زبانی به زبان دیگر)، را چه می نامند؟

۱. مولف ۲. تألیف ۳. ترجمه ۴. مترجم

۲- کدام مورد جزء ویژگی ترجمه رسا محسوب نمی شود؟

۱. آشنایی با موضوع ترجمه ۲. آشنایی با روش متن
۳. تسلط بر زبان مقصد ۴. تسلط بر زبان مبدأ

۳- معنا و مفهوم متن مبدأ را با نزدیکترین ساختهای دستوری و معنایی زبان مقصد، منتقل می کند.

۱. ترجمه ۲. ترجمه معنایی ۳. ترجمه ارتباطی ۴. متون وصفی

۴- هدف متنهای اطلاعاتی می باشد.

۱. منحصر انتقال اطلاعات ۲. صرفا ترجمه معنایی
۳. صرفا ترجمه ارتباطی ۴. منحصر انتقال متنهای توصیفی

۵- کدام گزینه درباره ویژگی های ترجمه معنایی و ارتباطی نادرست است؟

۱. ترجمه ارتباطی معمولا موجز، ناهموار و نامأنوس است
۲. ترجمه ارتباطی غالبا مفصلتر از متن اصلی است
۳. ترجمه معنایی به نویسنده توجه بیشتری دارد
۴. در ترجمه معنایی، ویژگیهای فرهنگی زبان مبدأ در نثر ترجمه انعکاس می یابد

۶- در ترجمه ارتباطی ترجمه، جمله است.

۱. متن ۲. معادل ۳. واحد ۴. مقیاس

۷- در عبارت (« اذا كثر الملاحين غرقت السفينه » : بمعنی « آش پز که دوتا شد آش یا شور می شود یا بی نمک ») چه نوع ترجمه ای بکار رفته است؟

۱. معنایی ۲. وصفی ۳. ارتباطی ۴. تحت اللفظی

۸- در متنی که برای مخاطبان ترجمه می شود، ساده نویسی و تأکید بر شرح و توضیح مفاهیم ضرورتی ندارد.

۱. کودکان ۲. اهل قلم ۳. نوجوانان ۴. مخاطبان عام

۹- کدام مورد غلط است ؟

۱. متنهای توصیفی - ترجمه معنایی
۲. متنهای اطلاعاتی - ترجمه ارتباطی
۳. متنهای توصیفی - ترجمه ارتباطی
۴. متنهای اطلاعاتی - ترجمه آزاد

۱۰- کلمات « علی - إلی - باء » به ترتیب به چه معناست ؟

۱. بر - از - بوسیله
۲. از - به سوی - در
۳. بر - به سوی - به وسیله
۴. از - در - به وسیله

۱۱- سمع له یعنی :

۱. گوش دادن
۲. به او گوش می دهد
۳. گوش داده شد
۴. به او گوش داد

۱۲- ذهب إلی یعنی :

۱. می پندارد
۲. پنداشت
۳. فراموش کرد
۴. او را برد

۱۳- لی إلیک حاجه یعنی :

۱. من تورانیاز دارم
۲. حاجت من برای شماست
۳. برای من از سوی تو حاجتی است
۴. من از تو درخواستی دارم

۱۴- ال در « الیوم » ، چه نوع الف و لامی است ؟

۱. موصول
۲. عهد ذکری
۳. عهد حضوری
۴. عهد ذهنی

۱۵- « ما اجتهد أحدٌ فی هذه الدراسة العلمیه ما اجتهد سَعیدٌ » ، ماِ دوم چه نوع است ؟

۱. موصول
۲. نافیہ
۳. کافه
۴. شرطیه

۱۶- جاء إلی المَلِک من کان فی المدینة من الأثرياء به چه معناست ؟

۱. در شهر پادشاه با اثرياء بود
۲. ثروتمندان شهر ، نزد پادشاه آمدند
۳. پادشاه ، نزد ثروتمندان دیار آمد
۴. در شهر پادشاه ثروتمندی آمد

۱۷- « مفعول فیه » در عبارت « کنت أنظر تاره إلى الأستاذ و أخرى إلى الطالب » ، به چه معناست ؟

۱. گاه به استاد و گاه به دانشجو نگاه می کردم
۲. گاهی به استاد و زمانی به دانشجو نگاه کن
۳. خیلی اوقات به استاد و همچنین به دانشجو نگاه کرد
۴. یک نگاه به استاد و یک نگاه به دانشجو انداخت

۱۸- عبارت « أخذ الطفل يستيقظ » به چه معناست ؟

۱. طفل را گرفت و انداخت
۲. کودک دارد بیدار می شود
۳. کودک را گرفت از خواب بیدار کرد
۴. طفل بیدار شد

۱۹- « و هو یلقى » در عبارت « رأیت الأستاذ و هو یلقى محاضره فی ساحه الکلیه » چه نقشی دارد ؟

۱. جمله حالیه
۲. جمله وصفیه
۳. جمله معترضه
۴. جمله مفعولیه

۲۰- بطن جائع و وجهه مدهون یعنی :

۱. شکم گرسنه و روی سیاه
۲. پز عالی جیب خالی
۳. معده گرسنه و چهره روغنی
۴. بطن جالب و صورت تپل

۲۱- کیف تستغنی عن مساعدک ؟ یعنی :

۱. چگونه از معاونت بی نیاز می شوی ؟
۲. چگونه معاونت را کنار می گذاری ؟
۳. چگونه معاونت را بی نیاز می گردانی ؟
۴. چگونه معاونت را کمک می کنی ؟

۲۲- معادل عربی و گونه زبانی عبارت « فاضت روحه الزکیه » کدام است ؟

۱. جان به جان آفرین تسلیم کرد - رسمی ادبی
۲. جان به جان آفرین تسلیم کرد - رسمی اداری
۳. روح خالصش پاک شد - محاوره ای
۴. دیده به جهان گشود - رسمی

۲۳- أعجب الطالب بالکتاب یعنی :

۱. دانشجو کتاب را دوست داشت
۲. دانشجو کتاب را پسندید
۳. دانشجو از کتاب خوشش آمد
۴. دانشجو کتاب را می خواهد

۲۴- در عبارت «إن شاء الله أكتب رساله»، چه نوع تغییراتی در ساختار دیده می شود؟

۱. تغییر زمان مضارع به ماضی - پس از ادوات شرط
۲. تغییر زمان ماضی به مضارع - در مقام دعا و نفرین
۳. تغییر زمان مضارع به ماضی - در مقام دعا و نفرین
۴. تغییر زمان ماضی به مضارع - پس از ادوات شرط

۲۵- معادل «از هوش رفت» کدام است؟

۱. اغمی
۲. اُغْمی علیه
۳. اغمی له
۴. اغمی عنه

۲۶- «حزیران - تشرین الاول» مطابق با کدام یک از ماههای زیر است؟

۱. ژوئن - اکتبر
۲. ژوئن - نوامبر
۳. آوریل - مارس
۴. سپتامبر - ژوئیه

۲۷- مصدر منحوت «تشریح» به چه معناست؟

۱. شرح دادن
۲. شارژ کردن
۳. دوبله کردن
۴. تبیین نمودن

۲۸- معادلهایی که خصوصیتی ثابت و همیشگی دارند و در هر شرایطی و در هر نوع متنی می توان از آنها استفاده نمود ، چه نام دارد؟

۱. پویا
۲. اختیاری
۳. کلیشه ای
۴. مختلط

۲۹- کلمه «دائرة للتجنید» به چه معناست؟

۱. وزارت دفاع
۲. وزارت جنگ
۳. حوزه وظیفه عمومی
۴. دایره جذب

۳۰- آخرین مرحله یک ترجمه است .

۱. خواندن متن
۲. استفاده از فرهنگ لغت
۳. ویرایش
۴. بازخوانی ترجمه

پاسخ صحیح

۱	ب
۲	ب
۳	ب
۴	الف
۵	الف
۶	ب
۷	ب
۸	ب
۹	ب
۱۰	ب
۱۱	ب
۱۲	ب
۱۳	ب
۱۴	ب
۱۵	الف
۱۶	ب
۱۷	الف
۱۸	ب
۱۹	الف
۲۰	ب
۲۱	ب
۲۲	الف
۲۳	ب
۲۴	ب
۲۵	ب
۲۶	الف
۲۷	ب
۲۸	ب
۲۹	ب
۳۰	ب

۱ - کدام ترجمه اولویت را به خواننده می دهد ؟

۱. ترجمه معنایی ۲. ترجمه علمی ۳. ترجمه آزاد ۴. ترجمه ارتباطی

۲ - « إِذَا كَثُرَ الْمَلَّاحِينَ غَرِقَتِ السَّفِينَةُ »

۱. از زیادی ملوانان کشتی غرق می شود .
۲. بَرَد کشتی آنجا که خواهد خدای .
۳. آشپز که دو تا شد آش یا شور می شود یا بی نمک .
۴. غرقه در دریا به هر گیاه خشک چنگ میزند .

۳ - کدامیک از گزینه های زیر از ویژگیهای متون ترجمه شده برای مخاطبان خاص می باشد ؟

۱. زبان متن صمیمی و نزدیک به زبان گفتار است .
۲. الگوهای بیانی و ادبی در متن ترجمه انعکاس می یابد .
۳. نقل قولهای مستقیم به غیر مستقیم تبدیل می شود .
۴. جملات کوتاه و روان هستند .

۴ - « ضَرَبَ بِهِ الْأَرْضَ »

۱. او را خواباند .
۲. همه جا را به دنبال او گشت .
۳. به جا های دور دست سفر کرد .
۴. به او صدمه زد .

۵ - در کدام جمله حرف جرّ « مِنْ » هیچگاه ترجمه نمی شود ؟

۱. لَا يَأْتِينِي مِنْ أَحَدٍ
۲. يَنْظُرُونَ مِنْ طَرَفٍ خَفِيٍّ
۳. أَخَذْتُ مِنَ الْكُتُبِ
۴. أَعْطَانِي خَاتَمًا مِنَ الذَّهَبِ

۶ - اگر فعل « رَغِبَ » با حرف جرّ « عَنْ » به کار رود به چه معنایی است ؟

۱. تمایل و اشتیاق داشتن
۲. رغبت به کار بد داشتن
۳. دوری کردن و بیزار شدن
۴. رغبت به کار نیک داشتن

۷ - در کدام جمله « ال موصوله » آمده است ؟

۱. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ .
۲. إِشْتَرَيْتُ الْكِتَابَ أَمْسٍ .
۳. الْمَهْمُ أَنَّنَا نَحْوِلُ لِلْوَصُولِ إِلَى الْهَدَفِ .
۴. بِدَائِ صَرَاعَاتٍ طَائِفِيَّةٍ جَدِيدَةٍ فِي الْعِرَاقِ .

۸ - در جمله « مَا إِجْتَهِدَ أَحَدٌ فِي هَذِهِ الدِّرَاسَةِ الْعِلْمِيَّةِ مَا إِجْتَهِدَ سَعِيدٌ » نوع حروف را به ترتیب مشخص کنید ؟

۱. موصوله - نافیه ۲. مصدریه - موصوله ۳. نافیه - إستثناء ۴. نافیه - موصوله

۹ - با توجه به فعل کمکی ، ترجمه رسای جمله « ما بَرَحَ الْكِسْلَانُ يَواجِه الصُّعوبات » کدام است ؟

۱. تنبل همیشه دچار مشکلات می شود.

۲. هیچ کس به اندازه شخص تنبل با مشکلات مواجه نمی شود .

۳. به محض تنبلی با مشکلات مواجه می شود .

۴. همین که تنبلی کرد با مشکلات مواجه شد .

۱۰ - ترکیبات السفير ایرانی ، مختلف الاحزاب به ترتیب چه نوعی است ؟

۱. ترکیب وصفی ، ترکیب اضافی

۲. اضافه لفظی ، ترکیب وصفی

۳. ترکیب وصفی ، اضافه لفظی

۴. ترکیب اضافی ، ترکیب وصفی

۱۱ - عین الصحيح ؟أخذ المريضُ يغيب عن الوعي . «

۱. بیمار آگاهی خود را از دست داد .

۲. بیمار دارد بیهوش می شود .

۳. بیمار شروع به بیهوش شدن کرد .

۴. بیمار بیهوش شد .

۱۲ - کدام یک از گزینه ها صحیحتر است ؟ « لیتَرَک الآباءُ أبناءَهم یَجْرَبُونَ وَ یُخْطِئُونَ . »

۱. یجربون : جمله حالیه

۲. یخطئون : جمله حالیه

۳. لیتَرَک : جمله وصفیه

۴. یجربون : جمله وصفیه

۱۳ - « أَنْ رَئِیسَ الْمُنْظَمَةِ الْإِیرَانِیَّةِ لِلطَّاقَةِ الذَّرِیَّةِ وَقَّعَ اتِّفَاقاً . »

۱. مدیر کل سازمان انرژی هسته ای ایران ، مصوبه ای را به امضاء رسانید.

۲. رئیس سازمان انرژی اتمی در ایران ، قطعنامه ای امضاء کرد .

۳. رئیس سازمان انرژی هسته ای ایران ، توافقنامه همکاری امضاء کرد.

۴. رئیس سازمان انرژی اتمی ایران ، قراردادی امضاء کرد.

۱۴ - « لَقَدْ فَضَّلْتُ أَنْ أَحْمِلَهُ مَعِيَ لَوْلَا أَنَّنِي ذَكَرْتُ الْجَدْبَ »

۱. اگر قحطی و خشکسالی را به یاد می آوردم ، ترجیح می دادم او را با خود ببرم .

۲. اگر تنهایی و غم ها را به یاد نمی آوردم ، زندگی را انتخاب میکردم .

۳. فضیلت او بر همگان حمل شده اگرچه من هر لحظه او را به یاد می آورم .

۴. او با من به فضیلت می رسد اگر چه شهامت او را همیشه یادآورم .

۱۵ - « فلا مجالَ للتَّلاُعْبِ مع الأوراقِ الباليةِ من جديد . »

۱. دیگر نمیتوان برای بار دوم با ورق های کهنه به بازی برخاست .
۲. دیگر نمی توان دوباره با ورقهای سوخته بازی کرد .
۳. دوباره ناچاریم با اوراق سوخته به بازی پردازیم .
۴. دیگر مجالی برای بازی با ورقهای به هم ریخته، نیست.

۱۶ - « كان من المهم أن الفيلم يرى النور . »

۱. این مهم است که فیلم ، جایزه بگیرد .
۲. مهم این بود که فیلم در نور اکران شود .
۳. اهمیت فراوانی داشت که فیلم نور ببیند .
۴. مهم این بود که فیلم ، روی پرده بیاید .

۱۷ - برای اعلام درگذشت نویسنده ای مشهور از کدام جمله استفاده می شود؟

۱. به ملکوت اعلی پیوست : إلْتَحَقَ بالرفیقِ الأعلی
۲. به هلاکت رسید : هَلَكَ
۳. روی در نقاب خاک کشید : واره التراب
۴. عمرش را به شما داد : تعیش أنتَ

۱۸ - گزینه صحیح تر را انتخاب کنید ؟ « إنَّ العالم العربي يواجه في الوقت الراهن تحدياتٍ كبيرةٍ » .

۱. جوامع عربی در حال حاضر با مبارزه طلبیهای بزرگی روبروست .
۲. جهان عرب در حال حاضر با چالشهای بزرگی روبروست .
۳. جهان عرب در حال حاضر با ستیزه طلبیهای بزرگی مواجه ست .
۴. عالم عرب در حال حاضر با تهدیدات بزرگی روبروست .

۱۹ - « يطالب الغرب بأن يعيدَ النَّظْرَ في سياسته » .

۱. از غرب خواسته میشود در سیاستهای خود، تجدید نظر کند.
۲. غرب خواستار بازنگری امور سیاسی اش است .
۳. از غرب خواسته میشود که در سیاستهای آنان نگاهی دوباره بیفکند.
۴. غرب باید در سیاستهای خود، تجدید نظر کند.

۲۰ - در ترجمه کدام عبارت ، فعل ماضی به مضارع تبدیل می شود ؟

۱. رأيت السيارات تمرّ على البناية .
۲. سُرقتُ كُتبی أمس .
۳. بدأ العام الدّراسي و ذهبَ رضا إلى المدرسة .
۴. قَبَّحَ الله وجهه .

۲۱ - در مورد «لا یکاڈ یفکر فی شیء لا یربحُ له» کدام گزینه مناسب تر است ؟

۱. تفکری که در آن نتیجه ای نباشد سود آور نیست .

۲. نزدیک نیست به چیزی فکر کند که برایش سودی ندارد.

۳. او معمولاً به چیزهای سود آور فکر می کند .

۴. او به ناچار در چیزی که برایش سودی ندارد، فکر نمی کند .

۲۲ - در کدام گزینه صورت مرکب فعل بسیط «بیعت» صحیح می باشد ؟ «بیعت الملبس»

۱. قاموا ببيع الملبس .

۲. تمَّ بَیْعُ الملبس .

۳. تمَّوا ببيع الملبس .

۴. قام ببيع الملبس .

۲۳ - گزینه صحیح را انتخاب کنید؟

۱. منظَّمَةُ التحریر الفلستینیة : انجمن نویسندگان فلسطینی

۲. جبهة تحریر الوطنی : قیام آزادی خواه میهن

۳. الجبهة الاسلامیة للإنقاذ : حرکت رهایی بخش دینی

۴. الحزب التقدمی الاشتراکی : حزب ترقی خواه سوسیالیست

۲۴ - اگر اسم خاص ، نقش اساسی و مهمی را در متن ایفا کند ، در ترجمه این نوع اسامی چه باید کرد ؟

۱. ترجمه نکردن اسم خاص و باقی گذاشتن آن به حال خود کافی است .

۲. ذکر جمله ای توصیفی یا توضیحی در نخستین باری که اسم در متن می آید .

۳. به ذکر اسم خاص در متن و ارائه آن در پا نوشت اکتفا می کنیم .

۴. به ارائه ترجمه ای روان و شیوا از آن اسم در داخل متن بسنده می کنیم.

۲۵ - گزینه صحیح را انتخاب کنید ؟ « وزیر بلا حقیبة - مؤتمر القمة . »

۱. وزیر بدون کیف - کنفرانس غیر متعهد ها

۲. وزیر بدون اسناد و مدارک - اجلاس فرماندهان

۳. وزیر مشاور - کنفرانس سران

۴. وزیر بدون وزارتخانه - نشست سیاسی

۲۶ - فعل های منحوت زیر به چه معنایی هستند ؟ « عَلِمَنَّهُ - تَشْرِیْح - عَوَّلَمَهُ »

۱. ترویج مکتب لائیسم - شارژ کردن - جهانی شدن .

۲. همگام با علم کردن - شرح دادن - مدرنیسم .

۳. دنیایی کردن - شرحه شرحه کردن - همگام با زمان کردن .

۴. ترویج مکتب لائیسم - شرحه کردن - دنیوی نمودن .

۲۷ - کدامیک از مصادر منحوت به منظور ایجاز و اختصار است ؟

۱. عَصْرَتَه ۲. تهوید ۳. حُمْدَل ۴. لَبَنَنَه

۲۸ - آخرین مرحله ترجمه چیست ؟

۱. بازخوانی و ارزیابی ترجمه ۲. ویرایش نمودن ترجمه
۳. استفاده از فرهنگ لغت برای اطمینان از صحت ترجمه ۴. مقابله متن و ترجمه

۲۹ - گزینه های مناسب تر و روان تر را انتخاب کنید ؟ « الْكَأْبَةُ الْمُسَيْطِرَةُ عَلَى الْمَرْأَةِ بَعْدَ الْوَلَادَةِ »

۱. افسردگی غالب پس از زایمان ۲. فشار روانی اغلب زنان بعد از زایمان
۳. افسردگی پس از زایمان ۴. افسردگی سیطره یافته بر زنان بعد از زایمان

۳۰ - « تَمُرُّ بِي الْأَيَّامُ فَلَا أَدْرِي أَمِ أَبْكِي عَلَيْهَا أَمْ أَبْكِي مِنْهَا . »

۱. روزگار می گذرد و نمی دانم برای از دست رفتن آن گریه کنم یا به خاطر مصائبی که به بار می آورد.
۲. روزگار بر من می گذرد ، پس نمی دانم آیا بر آن گریه کنم یا از آن گریه کنم .
۳. روزگار می گذرد ، پس من هم به خاطر همه خوشی های رفته و غم های باقی مانده می گریم .
۴. من به خاطر از دست دادن روزگاری که شتابان بر من می گذرد ، پیوسته در حال گریستن ام .

پاسخ صحیح

1	د
2	ج
3	ب
4	د
5	الف
6	ج
7	ج
8	د
9	الف
10	الف
11	ب
12	الف
13	د
14	الف
15	ب
16	د
17	ج
18	ب
19	د
20	د
21	ج
22	ب
23	د
24	ب
25	ج
26	الف
27	ج
28	ب
29	ج
30	الف

۱ - عَيِّن الصَّحِيح فِي تَرْجُمَةِ الْمَفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ؟

الوعاء - الوفير:

۱. ظرف - زیاد ۲. کم - زیاد ۳. ظرف - اندک ۴. زیاد - کم

۲ - المساواة - الوهاء:

۱. پستی - برادری ۲. ظلم - پستی ۳. برادری - عظمت ۴. برداری - پستی

۳ - الاكتئاب - فضة:

۱. افسردگی - طلا ۲. افسردگی - نقره ۳. افسردگی - آهن ۴. شادی - نقره

۴ - البطر - ظل:

۱. ناسپاسی - سایبان ۲. ناسپاسی - گمراهی
۳. شکرگذاری - سایبان ۴. گمراهی - هدایت

۵ - الاعواز - رخيص:

۱. ثروت ها - ارزان ۲. ثروت ها - گران ۳. نیازها - ارزان ۴. نیازها - گران

۶ - الناشئة - القابليات:

۱. نسل پیر - نسل جوان ۲. میان سال - جوان
۳. نسل پیر - استعدادها ۴. نسل جوان - استعدادها

۷ - ما معنى «من الذرة، الى المجرة»؟

۱. از ذره تا بسیار ۲. از ذره تا کهکشان ۳. از کم به کم ۴. از بسیار به کم

۸ - ما معنى «الاشترائية»؟

۱. رئالیسم ۲. کمونیسم ۳. امپریالیسم ۴. سوسیالیسم

۹ - ما معنى «الشارع المستهلك»؟

۱. جامعه تولیدی ۲. خیابان قدیمی ۳. جامعه مصرفی ۴. قانون ابتدایی

۱۰ - ما معنى «التقويم»؟

۱. آماده سازی ۲. بی توجهی ۳. به کار گیری ۴. عقب ماندگی

۱۱ - ما معنى «الخفیز النظامی»؟

۱. سرهنگ ۲. گروهبان ۳. سرباز ۴. دژبان

۱۲ - ما معنى «كانت و ستظلّ»؟

۱. بوده و هست ۲. بوده و خواهد بود ۳. است و هست ۴. است و نخواهد بود

۱۳ - ما معنى «عرقلة لاتزاح»؟

۱. مانعی غیر قابل عبور ۲. بیماری غیر قابل درمان
۳. مشکلی لاینحل ۴. دریای غیر قابل عبور

۱۴ - ما معنى «نتایج زنود»؟

۱. بازو ۲. دست رنج ۳. تلاش و کوشش ۴. آتش زنه

۱۵ - ما معنى «المقاطعة - المقاطعة»؟

۱. ملی سازی- تحریم ۲. ملی سازی-پیوند ۳. جهانی سازی- تحریم ۴. جهانی سازی-پیوند

۱۶ - ما معنى «تملّصت - اكمة»؟

۱. اسیر شدم- جنگل ۲. اسیر شدم - تپه ۳. گریختم - کوهستان ۴. گریختم - تپه

۱۷ - ما معنى «لم يلبث أن.....»؟

۱. چیزی نگذشت ۲. مدت زیادی ساکن بود
۳. زمان زیادی گذشت ۴. زمان اندکی گذشت

۱۸ - ما معنى «التلوث الضوایی»؟

۱. آلودگی دریایی ۲. آلودگی اتمی ۳. آلودگی صوتی ۴. آلودگی محیطی

۱۹ - اللوحة - المستهلك:

۱. تابلو - تولید کننده ۲. تابلو - مصرف کننده ۳. نقشه - تولید کننده ۴. نقشه - مصرف کننده

۲۰ - المعالم الاثریة - اطلاق سراح:

۱. آثار باستانی- آزاد سازی ۲. آثار باستانی- اسیر کردن
۳. منازل مسکونی - اسیر کردن ۴. منازل مسکونی - آزاد کردن

۲۱ - ما معنى «هذا خبرٌ تُشَمُّ منه رائحةُ الكارثة»؟

۱. این خبری است که از آن بوی فاجعه را استشمام خواهی کرد.

۲. این خبری است که از آن بوی فاجعه به مشام می رسد.

۳. از این خبربوی مصیبت به مشام می آید.

۴. این خبری است که بوی مصیبت به دنبال دارد.

۲۲ - ما معنى «علینا ان نعطى الجمهورَ معلوماتٍ دقیقةٍ و موثوقةً منها»؟

۱. نداشتن معلومات دقیق و کافی از مردم به ضرر ماست.

۲. ما باید از مردم اطلاعات دقیق و کافی داشته باشیم.

۳. مردم باید اطلاعات دقیق و کافی داشته باشند.

۴. ما باید اطلاعات دقیق و مطمئن به مردم بدهیم.

۲۳ - ما معنى «انَّ الغربَ الیومَ غارقٌ فی حالةِ استباقِ جنونٍ فی الاستهلاك»؟

۱. امروز غرب در یکی حالت سبقت دیوانه وار برای ویرانی گرفتار آمده است.

۲. امروز غرب در مسابقه جنون آمیز مصرف گرایی غرق شده است.

۳. غرب امروز در حالتی از دیوانگی در مصرف به سر می برد.

۴. غرب در حالتی از مصرف گرایی به سر می برد.

۲۴ - ما معنى «احیل الی التقاعد ضابط برتبة عقید»؟

۱. افسری با درجه سرهنگی بازنشسته شد.

۲. موضوع بی انضباطی یک افسر در پادگان پیچیده شد.

۳. افسر در مقابل استدلال قانونی و منطقی متقاعد شد.

۴. افسر در مقابل سرهنگ متقاعد شد و از شغلش استعفا داد.

۲۵ - ما معنى «الشمس مصدر من مصادر الطاقة»؟

۱. خورشید، تنها منبع انرژی و نور است.

۲. خورشید همان منبع از منابع انرژی است

۳. خورشید یکی از منابع انرژی است.

۴. خورشید، تنها منبع الکتریسته است.

۲۶ - ما معنى «الخاصیة الی تُحدِّد طفویة جسم هی كثافة ذلک الجسم»؟

۱. خاصیتی که میزان شناوری جسمی را مشخص می کند، جرم آن جسم است.

۲. خصوصیتی که کشش یک جسم را تعیین می کند، همان فشردگی آن جسم است.

۳. ویژگی که در جسم شناور عامل تعیین کننده است، جرم آن جسم است.

۴. جرم یک جسم میزان کشش آن را معین می کند.

۲۷ - ما معنى «يُحاول الاعداء على أن يجعلنا نَنغمسُ بالتدريج فى مستنقع الحرب»؟

۱. دشمنان می کوشند تا ما را وادار سازند که به تدریج در منجلاب جنگ فرو رویم.
۲. دشمنان ما تصمیم گرفته اند که ما را به تدریج وارد گرداب جنگ داخلی کنند.
۳. دشمنان سعی دارند به ما بفهمانند که رفته رفته درگیر بحران جنگ خواهیم شد.
۴. دشمنان ما تصمیم گرفته اند ما را وارد جنگی تدریجی و فراگیر کنند.

۲۸ - ما معنى «خرج الناسُ الى الشوارع يهتفون ضد نظام الطاغوت»؟

۱. مردم به خیابان ها آمدند و علیه رژیم طاغوت شعار دادند.
۲. مردم به خیابان ها هجوم آوردند تا علیه رژیم طاغوت شعار بدهند.
۳. مردم هم زمان با آمدن به خیابان ها علیه رژیم طاغوت شعار می دادند.
۴. مردم از خیابان ها گذشتند و پس از راهپیمایی طولانی، شعار مرگ بر طاغوت سر دادند.

۲۹ - ما معنى «يُعتبرُ الادمانُ من اهمّ المشاكل التى يُواجهها اىّ مجتمع من المجتمعات»؟

۱. افسردگی یکی از مهمترین ناهنجاری هایی است که جوامع با آن روبرو هستند.
۲. هیچ یک از جوامع از مشکلات بیکاری و اعتیاد در امان نیستند.
۳. اعتیاد یکی از مهمترین مشکلاتی است که هر جامعه ای با آن روبروست.
۴. بیمار های واگیر دار یکی از مهمترین مشکلاتی است که هر جامعه ای با آن روبروست.

۳۰ - ما معنى «قدم وزيرُ الداخيلة استقالته بعد الاحداث التى جرّت فى البلاد»؟

۱. وزیر بازرگانی در پی حوادثی که در کشور اتفاق افتاد، بر کنار شد.
۲. وزیر مشاور استعفای خود را پس از حوادث جاری کشور تقدیم کرد.
۳. رئیس جمهور پس از حوادثی که در کشور رخ داد، استعفا کرد.
۴. وزیر کشور پس از حوادثی که در کشور رخ داد، استعفا کرد.

شماره سوال	پاسخ صحیح
1	الف
2	د
3	ب
4	الف
5	ج
6	د
7	ب
8	د
9	ج
10	الف
11	د
12	الف
13	الف
14	ب
15	ج
16	د
17	الف
18	ج
19	ب
20	الف
21	ب
22	د
23	ب
24	الف
25	ج
26	ب
27	الف
28	الف
29	ج
30	د

۱ - عَيِّنَ الصَّحِيحَ عَنْ تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ فِيمَا يَلِي:

الشمس مصدر من مصادر الطاقة:

۱. خورشید منبعی است که پر از انرژی است
۲. خورشید تنها منبع انرژی و نور است
۳. خورشید همان منبع از منابع انرژی است
۴. خورشید یکی از منابع انرژی است

۲ - يَحْرِكُ التَّمْسَاحَ ذَنْبَهُ وَيَجْعَلُ أَنْفَهُ وَعَيْنَهُ خَارِجَ الْمَاءِ لِمُرَاقَبَةِ الطَّرَائِدِ:

۱. تمساح دم خود را تکان می دهد و بینی و چشم خود را خارج از آب برای شکار قرار می دهد
۲. تمساح هنگام دیدن شکار دم و بینی و چشم خود را برای شکار تکان می دهد
۳. تمساح قبل از ورود به آب دم خود را تکان داده و هنگام شکار چشم و بینی خود را زیر آب فرو می برد
۴. تمساح حیوان دو زیست است که هنگام روز دم خود را تکان و هنگام شب چشم و بینی خود را بیرون از آب قرار می دهد

۳ - شُنَّ هُجُومَ عَلَى السِّيَاحِ النَّمَسَاوِيِّينَ فِي الْقَاهِرَةِ:

۱. در قاهره به جهانگردان اتریشی حمله شد
۲. حمله ای جانانه به جهانگردان هولندی شد
۳. در قاهره حمله ای دور از انتظار به جهانگردان لهستانی شد
۴. در قاهره به گردشگران مصری حمله شد

۴ - قَرَّرَ مَجْلِسُ الْوُزَرَاءِ إِحَالَةَ عَشْرَةِ مِنْ كِبَارِ ضَبَاطِ الْجَيْشِ إِلَى التَّقَاعِدِ:

۱. با تصویب مجلس ده نفر از افسران عالی رتبه ارتش از کار برکنار شد
۲. هیأت وزیران با مصوبه مجلس مبنی بر برکناری ده نفر از افسران بلند پایه ارتش مخالفت کرد
۳. هیأت وزیران بازنشتگی ده نفر از افسران عالی رتبه ارتش را تصویب کرد
۴. با تصویب هیأت وزیران با افرادی که ده سال سابق خدمت در ارتش را موافقت خواهد شد

۵ - إِنَّ رُوسِيَا ثَانِي مَصْدَرٍ لِلسَّلَاحِ فِي الْعَالَمِ خَاصَّةً الْأَنْظُمَةُ الْمُضَادَّةُ لِلطَّائِرَةِ:

۱. حقا که روسیه دومین وارد کننده سلاح موشک های زمین به زمین در جهان است
۲. روسیه موشک های هوا به هوا را به عنوان سیستم ضد هواپیما های جنگی می داند
۳. مسکو صادرات سلاح را به عنوان یکی از مصادر درآمد خود در جهان می داند
۴. روسیه دومین صادر کننده سلاح در جهان مخصوصاً سیستم های ضد هواپیماست

۶ - ثُمَّ حَلَّتِ الْخُطَابَةُ مَنْزِلَهُ أَسْمَى مِنَ الشَّعْرِ:

۱. سپس خطابه در جایگاهی بالاتر از شعر قرار گرفت
۲. سپس خطابه به درجه ای پایین تر از شعر نزول کرد
۳. سپس خطابه به مرتبه ای شبیه شعر ارتقا یافت
۴. سپس خطابه جایگاه خود را از دست داد

۷ - استمرت الاضطرابات لليلة الثالثة على التوالي في شوارع هذه المدينة ليلة أمس الأول:

۱. نا آرامی های پریشب برای سومین شب متوالی در خیابان های این شهر ادامه یافت
۲. نا آرامی های سه شب پیش خیا بانهای شهر را دچار هرج و مرج کرد
۳. نا آرمی علی الخصوص در چند شب گذشته در شهر غیر قابل تحمل شده است
۴. نا آرامی ها در شهر حکایت از نارضایتی مردم است که محل شهر شده است

۸ - قيمة الإنسان في النسيج الاجتماعي تنبع من مدى مشاركة في تكوين هذا النسيج:

۱. قیمت انسان با توجه به گرفتاریهای اجتماع و حضور همه جانبه او سبب ساخت اجتماع می شود
۲. ارزش انسان در بافت اجتماع از میزان مشارکت او در ایجاد این بافت نشأت می گیرد
۳. قیمت انسان در کشاکش اجتماع از مشارکت او در گسترش این کشاکش ناشی می شود
۴. ارزش انسان در بافت اجتماعی تنها منبع مشارکت او در توسعه این بافت است

۹ - الرجال العظام هم الذين يولدون في الأكواخ :

۱. مردان بزرگ همان کسانی هستند که در کوخ ها متولد می شوند
۲. مردان بزرگ متولد نمی شوند مگر اینکه زمانه به آنها نیاز دارد
۳. مردان بزرگ کسانی هستند که در بدترین شرایط پا به جهان می گذارند
۴. مردان بزرگ فقط برای بزرگی ها متولد می شوند ولا غیر

۱۰ - يجب أن نثبت للعالم بأسره بأن الفكر الإلهي هو النهج السليم لإدارة المجتمعات البشرية:

۱. باید به دنیا ثابت کرد که فکر الهی همان راه درست اداره جوامع سالم بشری است
۲. باید به تمام دنیا ثابت کنیم که اندیشه الهی تنها راه سالم اداره جوامع بشری است
۳. برای دنیا ثابت شده است که تنها فکر درست برای جوامع بشری فکر واندیشه اسلامی است
۴. برای دنیا باید ثابت نمود که فکر اسلامی می تواند سعادت ملتها را تضمین کرد

۱۱ - **ينبغي للآباء و الأمهات الواعين أن يوفرا لأبنائهم فرص الاختيار و التصميم:**

۱. از واجبات پدر و مادر تأمین فرصت های لازم جهت استفاده نمودن از امکانات تحصیلی است
۲. وظیفه اصلی پدر و مادر آشنا نمودن فرزندان خود با شرایط پیش آمده جهت پیشرفت آنهاست
۳. برپدر و مادران آگاه شایسته است که برای فرزندان شان فرصت انتخاب کردن و تصمیم گیری فراهم کنند
۴. بر پدر و مادران است که هیچ کمبودی را برای فرزندان نگذارند تا آنها از فرصت بدست آمده نهایت استفاده را ببرند

۱۲ - **إنما الآخرة دارُ قرار فخذوا من ممرکم إلى ممرکم:**

۱. آخرت سرایی است پایدار پس از این سرایی که گذرگاه شماسست برای آن سرای که قرارگاه شماسست توشه برگیرید
۲. دنیا سرایی است که گذرگاه شماسست پس از سرایی که قرارگاه شماسست توشه ای بس گرانبها بردارید
۳. دنیا و آخرت هر دو گذرگاهی است برای رسیدن به اصل خود پس با توشه پر به سوی خدا باید رفت
۴. آخرت مقر نهایی است و دنیا محل آزمون است پس در محل آزمون قبول شده و توشه ای برای خود در بر گیرید

۱۳ - **الطريق الوحيد لمعرفة الحق و الإستيثاق منه هو أن نتحرى صحة الوقائع:**

۱. تنها راه شناخت حق آن است که رویدادها را جستجو کنیم و بشناسیم
۲. تنها راه معرفت حقیقت آن است که صحت رویدادهای مرتبط به هم را بشناسیم
۳. تنها راه شناخت حق و حصول اطمینان از آن تحقیق در مورد صحت وقائع است
۴. تنها راه معرفت شناسی خداوند صحت اتفاقاتی است که بعدها رخ خواهد داد

۱۴ - **لابد من وقفه جادة وحازمة من الشعب و من الحكومة:**

۱. مردم و دولت باید موضعی جدی و قاطع بگیرند
۲. مردم ناچار هستند در مقابل دولت موضعی قاطع بگیرند
۳. دولت ناگزیر است که تصمیماتی بهتر در قبال مردم بگیرد
۴. دولت و مردم باید تصمیمی بزرگ برای رهایی از مشکل بیابند

۱۵ - **كان میثم التمار ينتظر الشهادة في زمن مغلاة الطواغيت الأمويين في الطغيان و إسرافهم في التعدى و العصيان:**

۱. میثم تمار زمانی شهادت را می خواست که اموی ها از طغیان و سرکشی و تجاوز دست کشیده و به او کاری نداشتند
۲. میثم تمار در زمانی شهادت را انتظار می کشید که طاغوت های اموی در طغیان ، تجاوز و سرکشی زیاده روی می کردند
۳. میثم تمار شهادت را مرگ نمی دانست به همین خاطر در مقابل طواغیت زمانه یعنی اموی ها که اهل سرکشی بودند ایستاد
۴. میثم تمار ترسی از اموی ها و تجاوز و سرکشی آنها نداشته و از اسراف در تعدی و عصیان آنها هیچ باکی نداشت

۱۶ - مجلس صیانه الدستور ینوی إعادة فرز أصوات ثلث صنادیق الإقتراع:

۱. وزارت کشور با باز شماری یک سوم صندوق های آرا از سوی شورای نگهبان مخالفت کرد
۲. مجمع تشخیص مصلحت نظام با باز شماری یک سوم آرای ریخته شده در صندوق ها مخالفت کرد
۳. شورای نگهبان قصد دارد یک سوم صندوق های آرا را باز شماری کند
۴. مجلس شورای اسلامی اعتراض خود را در رابطه با باز شماری یک سوم آرا اعلام کرد

۱۷ - إستلتف ناظرى جمعٌ غفیرٌ یسیر الهوینا تتقدّمه الموسیقی و تملأ الجوّ الحاناً محزنةً:

۱. جمع زیادی که به تندی حرکت می کرد و پیشاپیش آنها گروه گروه حرکت کردند و تصمیم به موسیقی گرفتند و فضا را با آهنگی دردناک پر کردند
۲. جمع وصف ناپذیری بدون سر و صدا حرکت می کردند و گروه دیگری از عبور کردن آنها دیدن می کرد و آن گروه فضا را با موسیقی شگفت انگیز خود پر کردند
۳. جمع زیادی از مردم سرآسیمه از آن محل عبور می کردند و در بین آنها گروهی مشغول به موسیقی بودند که با آهنگ ناموزون خود فضا را پر کردند
۴. جمع زیادی که به آرامی حرکت می کردند و پیشاپیش آن ها گروه موسیقی در حرکت بود و فضا را از آهنگ های غمگین پر کرده بود توجه ام را جلب کرد

۱۸ - وصل إلى طهران رئیس اللجنة التنفيذية للمفوضية العليا للاجئين التابعة للأمم المتحدة:

۱. رئیس کمیته اجرایی کمیساریای پناهندگان وابسته به سازمان ملل متحد وارد تهران شد
۲. رئیس کمیساریای عالی پناهندگان جهت انجام مذاکرت مهمی از سوی سازمان ملل وارد تهران شد
۳. رئیس کمیسیون امور پناهندگان وابسته به کمیساریای عالی سازمان ملل متحد امروز وارد تهران شد
۴. رئیس کمیسیون امور بیگانگان متعلق به سازمان ملل متحد طی گروهی بلند پایه فردا وارد تهران می شود

۱۹ - اقترح مسؤول رفیع المستوى إلى البرلمان التفادی على الثقة على الوزير الجديد:

۱. پیشنهاد یک مسؤول بلند پایه مبنی بر عدم رأی اعتماد به وزیر جدید در مجلس مطرح شد
۲. یک مسؤول بلند پایه به مجلس پیشنهاد کرد که به وزیر جدید رأی اعتماد ندهند
۳. مجلس پیشنهاد یک مسؤول بلند پایه را مبنی بر رأی اعتماد به وزیر جدید پذیرفت
۴. به پیشنهاد یک مسؤول بلند پایه مبنی بر قبول صلاحیت وزیر به شرط بهبود اوضاع رأی داده شود

۲۰ - قد أثبت علماء النفس أن الإنسان لا يتكبر إلا ليغطي نقصاً أو نقائص في نفسه:

۱. دانشمندان روانکاو در تلاش هستند تا بفهمند که علت تکبر انسان می تواند نقصی در نفس او باشد
۲. دانشمندان روان پزشک در صدد هستند تا بفهمند که دلیل تکبر انسان چیست
۳. دانشمندان روان شناس ثابت کرده اند که انسان برای آنکه عیب های خود را بپوشاند تکبر می ورزد
۴. دانشمندان روان شناس ثابت می کنند که تکبر دلیلی بر نقص انسان نیست بلکه کاملاً فطری است

۲۱ - بدأ التلوث بسبب الغازات المنبعثة من المصانع و العوادم:

۱. آلودگی به خاطر گازهای برخاسته از کارخانه ها و دودکش ها واضح است
۲. آلودگی به سبب گازهای ناشی از کارخانه ها و آگزوز خودروها نمایان است
۳. آلودگی به علت گازهای برخاسته از کارخانه ها و آلاینده ها هویدا است
۴. آلودگی به دلیل گازهای ناشی از کارخانه ها و هوا کش ها پیدا است

۲۲ - العسكريون الصهاينة يستخدمون القنابل السامة ضد الفلسطينيين في حرب غير متكافئة:

۱. نظامیان صهیونیست در جنگی نابرابر با فلسطینی ها از بمب های سمی استفاده می کنند
۲. نیروهای اسرائیل در جنگ از بمب های گاز اشک آور برای راندن فلسطینی ها استفاده کردند
۳. اسرائیلی ها بدون اعتنا به بین الملل از مواد سمی برای سرکوب فلسطینی ها استفاده می کنند
۴. نظامیان صهیونیست در جنگی برابر از بمب های نا مشروع برای تصرف فلسطین استفاده کردند

۲۳ - لم يتوقف أبداً هذا المدرب عن تشجيع البدلاء الشباب لرفع معنوياتهم:

۱. همیشه این مربی به تشویقی می پردازد که جانشین روحیه عالی برای جوانان است
۲. این کار آموز برای تشجیع و بالا بردن معنویات جوانان از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است
۳. این مربی هرگز از تشویق بازیکنان جوان برای بالا بردن روحیه آنها دست نبوده است
۴. این آموزگار تمام تلاشش را برای فهماندن بازیکنان و بالا بردن اخلاقیات آنها بکار برده است

۲۴ - الرضاعة الطبيعية تقلل من نسبة إصابة الأطفال بأمراض الإذن في الأشهر السبعة الأولى:

۱. کاهش نسبت ابتلای کودکان به بیماریهای مسری از پیامدهای مثبت شیر مادر است
۲. شیر مادر باعث می شود که کودک در هفت ماه اولیه تولد به بیماریهای گوش مبتلا نشود
۳. شیر مادر نسبت ابتلا به بیماریهای گوش را در کودکان در هفت ماه اولیه پس از تولد کاهش می دهد
۴. از پیامدهای شیر مادر است که کودک در هفت ماهگی دچار بیماری گوش می شود

۲۵ - **یمتاز شعره بشعبیه کبیره و یعتبر قائد المدرسه الواقیة فی الأدب المعاصر:**

۱. شعر او را اقبالی است قابل توجه و مکتبی در خور ادب وی که به حقیقت معروف است
۲. شعر او عامه پسند اما او را اقبالی در بین خواص نیست و او پیرو مکتب واقع گرایی است
۳. شعر او معروف به مکتب واقع گرایی است که در ادبیات معاصر از او به عنوان رهبر مکتب رئالیست نام می برند
۴. شعر او از محبوبیت بسیار خوبی برخوردار است و در ادبیات معاصر رهبر مکتب واقع گرایی به شمار می آید

۲۶ - **اتقنت سهیر القلماوی العديد من اللغات الأروبیة و استعدت لدخول کلیة الطب:**

۱. سهیر القلماوی لغات اروپایی متعددی را یاد گرفت و آماده وارد شدن به دانشکده پزشکی شد
۲. سهیر القلماوی برخی از لغات اروپایی را یاد گرفت و بعد تلاش کرد وارد دانشگاه پزشکی شود
۳. تلاش سهیر برای فراگیری لغات اروپایی بی حاصل ماند لذا برای ورود به دانشگاه پزشکی تلاش کرد
۴. سهیر قلمای علی رغم همه تلاشهایش برای یادگیری زبان و ورود به دانشکده پزشکی بی نتیجه ماند

۲۷ - **ذكر باحثون أن الأمومة قد تزيد من ذكاء النساء وقد تساعد على الوقایة من الإصابة بخوف الشیخوخة:**

۱. پژوهشگران یاد کردند که مادری کردن به هوش زن ها و به پیشگیری از ابتلا به پیری کمک می کند
۲. جستجو کنندگان تاکید داشتن که بارداری خانم ها باعث می شود که زودتر پیر شوند
۳. اهل تحقیق اصرار دارند که حامله شدن زن ها آنها را از ابتلا به پوکی استخوان دور می کند
۴. مستند سازان معتقدند که زنها برای اینکه کمتر مریض شوند باید زودتر باردار شوند

۲۸ - **أفادت وكلاء الأنباء أن بعض المتطرفین اقتحموا إحدى محطات السكك الحديديّة و أطلقوا نيرانهم بطريقة عشوائية:**

۱. آژانس های خبری در گزارشی آورده اند که بعضی تندروها به تعدادی از ایستگاههای راه آهن حمله کردند و کورکورانه آتش گشودند
۲. آژانس های خبرگزاری ها گزارش دادند برخی تندروها یکی از ایستگاههای راه آهن را تسخیر کردند و بدون هدف آتش گشودند
۳. خبرگزاری ها گزارش دادند که برخی افراطیون به یکی از ایستگاههای راه آهن حمله کردند و بی هدف آتش گشودند
۴. خبرگزاری ها به مردم اطلاع دادند که افراطیون خواستار حمله به ایستگاههای راه آهن بودند و بی اختیار آتش گشودند

۲۹ - **قامت شرطة مكافحة الشغب بتفريق المتظاهرين بإطلاق غازات مسیلة للدموع :**

۱. پلیس ضد شورش با پرتاب گازهای اشک آور اقدام به متفرق ساختن تظاهر کنندگان کرد
۲. پلیس شورشیان را متفرق کرد و برای این کار از مایعی خاص جهت دور کردن آنها استفاده کرد
۳. پلیس منتظر تحرک مردم بود تا با استفاده از آب آتش نشانی برای متفرق کردن آنها استفاده کند
۴. شورش مردم پلیس را بر آن داشت تا برای سرکوب آنها از گازهای سمی استفاده کند

۳۰- إنه کاتب مسرحی و روائی قدیر ولد فی صقلیه فی أسره موسره :

۰۱. او یک نمایشنامه نویس و رمان نویس تواناست که در سیسیل در یک خانواده مرفه متولد شد
۰۲. وی یک نمایشنامه نویس و رمان نویس قادری است که زادگاه او در خانواده ای فقیر از سیسیل بوده است
۰۳. او نمایشنامه نویس و قطعنامه نویس ماهری است که در صقلیه و در خانواده ای توانمند زاده شده بود
۰۴. او رمان نویس و نمایشنامه نویس توانایی است که در صقلیه و در خانواده ای مستأصل متولد شده است

شماره سوال	پاسخ صحیح
1	د
2	الف
3	الف
4	ج
5	د
6	الف
7	الف
8	ب
9	الف
10	ب
11	ج
12	الف
13	ج
14	الف
15	ب
16	ج
17	د
18	الف
19	ب
20	ج
21	ب
22	الف
23	ج
24	ج
25	د
26	الف
27	الف
28	ج
29	الف
30	الف

۱- عین الصحیح عن دور المترجم النهایى :

۱. هو اختیار الكلمات و المصطلحات المعادله .
۲. هو قراءة النص المترجم و إصلاح ما فيه من الأخطاء.
۳. هو إدخال تعابیر هزلیه فى ثنایا الترجمة .
۴. هو سعى لرفع غموضها و إبهامها الواحدة بعد الأخرى .

۲- عین الخطأ فى الترجمة :

۱. قصارى الجهد : نهایت تلاش
۲. التخلّف الفكرى: عقب ماندگی فکری
۳. اللغة المترجمة منها : زبان مبدأ
۴. نفسیات الكاتب : درون مایه داستان

۳- عین الصحیح فى ترجمه المصطلحات و العبارات التالیة : « ذذبۀ الأسعار » :

۱. میانگین قیمت ها
۲. نوسان قیمت ها
۳. پیامدهای ناگوار قیمت ها
۴. تورم قیمت ها

۴- « مکتبرات الصوت » :

۱. آلودگی صوتی
۲. بلندگوها
۳. ضبط صوت
۴. ردیاب صوتی

۵- « مذکره احتجاج » :

۱. اقدام شجاعانه
۲. یادداشت اعتراض آمیز
۳. اقدام فرصت طلبانه
۴. اعتراض کتبی

۶- « إشعاعات نووية » :

۱. زرادخانه هسته ای
۲. بمب های اتمی
۳. پرتوهای هسته ای
۴. نیروگاه های اتمی

۷- « مُستَنقَع الحرب » :

۱. بحران جنگ
۲. سیلاب جنگ
۳. منجلاب جنگ
۴. هیاهوی جنگ

۸- « كیفیة معاملاته و قدر تكيفه »

۱. طرز رفتار و مقدار سازگاری او
۲. چگونگی معاملات و بهره وری او
۳. نوع برخوردها و هماهنگی او
۴. کیفیت خرید و فروشها و مقدار سود آن

۹- « أسره موسیره - المرض المُعدى »

۱. خانواده مرقه - بیماری معده
۲. خانواده ای فقیر - مرض بومی
۳. خانواده ثروتمند - بیماری مسری
۴. خانواده اصیل - مرض غیر بومی

۱۰- ما معنی: الإزورار - الدّعايات - الابتزاز؟

۱. تحقیر - شایعه ها - زور
۲. خشونت - تبلیغات - کوچک شمردن
۳. بی توجهی - دروغ ها- تحقیر
۴. زور - تبلیغات - فشار

۱۱- « فاز الفريق الهولندی ببطولة كأس العالم ».

۱. تیم هلند به قهرمانی جام جهانی دست یافت .
۲. تیم هلند با وجود بطالت و کم کاری به جام جهانی راه یافت .
۳. صنعت هلند در رقابت جهانی به رتبه اول دست یافت .
۴. فرقه گرایی در هلند باعث مشکلاتی در جام جهانی شد .

۱۲- « إنَّ الغرب اليومَ غارقٌ في حالةٍ استباقٍ جنوني في الاستهلاك » .

۱. امروز غرب در یک حالت سبقت دیوانه وار برای ویرانی گرفتار آمده است .
۲. امروز غرب در مسابقه جنون آمیز مصرف گرایی غرق شده است .
۳. امروزه غرب در مصرف گرایی درحالتی کاملاً جنون آمیز گرفتار شده است .
۴. امروز غرب در حالتی از دیوانگی در مصرف به سر می برد .

۱۳- « لقد انتقلتِ المريضةُ إلى خارجِ غرفةِ العنايةِ الفائقة بعدَ تحسُّنِ حالِها النَّسبي » .

۱. بیمار پس از بهبود یافتن نسبی به خارج از اتاق مراقبت های ویژه منتقل شد .
۲. مریض بعد از اینکه حالش نسبتاً بهبود یافت، از اتاق مراقبت به خارج بخش منتقل شد .
۳. بیمار پس از درمان نسبی به خارج از اتاق مخصوص سی سی یو منتقل شد .
۴. بیمار پس از بهبود یافتن نسبی به خارج از بخش ویژه انتقال یافت .

۱۴- « إن طلبنا من أبنائنا الطاعة المطلقة فسوف يتحوّلون إلى وجوداتٍ طفيليةٍ ومسلوبي الشخصية » . اگر از فرزندانمان اطاعت

بی چون و چرا را بخواهیم ...

۱. آنها را به انسانهایی بی اراده وافسرده از نظر روحی تبدیل خواهیم کرد.
۲. آنان با تغییر شخصیت به افرادی ناپخته و بی تجربه تبدیل می شوند.
۳. آنان به افرادی سربرار اجتماع و بی اراده تبدیل خواهند شد.
۴. آنان به طفلی بی اختیار که شخصیتی به جمود کشیده دارد، مبدل میگردند.

۱۵- «إنَّ الانحراف الخُلُقِيَّ وتعاطي المخدرات من أخطر مظاهر البطالة و الفراغ » .

۱. بیکاری و پر نشدن اوقات فراغت موجب انحراف اخلاقی و روی آوردن به مواد مخدر می شود.
۲. انحراف اخلاقی و خرید و فروش مواد مخدر از خطرناکترین پدیده های بی پولی و فراغت از تحصیل است .
۳. انحراف اخلاقی و مصرف مواد مخدر از خطرناکترین مظاهر بیکاری و اوقات فراغت است.
۴. انحراف اخلاقی و فروش مواد مخدر از مظاهر خطرناک اوقات بیکاری است.

۱۶- « الطريق الوحيد لمعرفة الحق والاستيثاق منه هو أن نتحرى صحة الوقائع » .

۱. تنها راه شناخت حق آن است که رویدادها را جستجو کنیم و بشناسیم .
۲. تنها راه معرفت حقیقت آن است که صحت رویدادهای مرتبط به هم را بشناسیم.
۳. شناخت حقیقت و اطمینان از حصول آن فقط یک راه دارد و آن جستجوی رویدادها است.
۴. تنها راه شناخت حق و حصول اطمینان از آن تحقیق در مورد صحت وقائع است .

۱۷- « قَدَمَ وزيرُ الداخلية استقالته بعد الأحداث التي جرت في البلاد».

۱. وزیر بازرگانی در پی حوادثی که در کشور اتفاق افتاد ، برکنار شد .
۲. وزیر کشور در پی حوادثی که در کشور اتفاق افتاد ، برکنار شد .
۳. وزیر بازرگانی در پی حوادثی که در کشور اتفاق افتاد ، اعلام استقال نمود .
۴. وزیر کشور در پی حوادثی که در کشور اتفاق افتاد ، طرفدار تیم استقال شد.

۱۸- « ينهضون من الأمر لما لا ينهضُ له » .

۱. آنان کاری را می کردند که او به خاطر نفع خود انجام نمی داد.
۲. می توانند آنچه را که او نمی تواند انجام دهد.
۳. قیام بر کاری می کردند که کسی تا کنون اقدام نکرده .
۴. آنان به کاری می پردازند که از او ساخته نیست.

۱۹- « لن نقطع لسانك »

۱. هرگز زبانت از کلام باز نایستد.
۲. هرگز زبان تو را نخواهیم برید .
۳. ما سخن تو را نخواهیم برید .
۴. زبان تو نباید قطع شود.

۲۰- « كان إطلاق سراح الرهائن قد فسخ المجال أمام تكهنات بإعادة العلاقات بين البلدين ».

۱. آزادی گروگان ها ، زمینه را برای پیشگویی هایی در مورد از سرگیری روابط بین دو کشور فراهم کرده بود .
۲. پیشگویی ها برای از سرگیری روابط بین دو کشور با توجه به عدم آزادی گروهان ها نا امید کننده است.
۳. آزاد سازی گروگان ها هیچ تأثیری در از سرگیری روابط بین دو کشور نخواهد داشت .
۴. پیشنهادها برای بهبود روابط بین دو کشور با توجه به عدم آزادی وانتقال گروهان ها نا امید کننده است.

۲۱- « نوهت هذه الصحيفة بأهمية الموقف الجيادی لهذا البلد خلال الأزمّة الأخيرة » .

۱. مواضع این روزنامه در بحران پیش آمده بین این کشورها در روزهای اخیر بی طرفانه است .
۲. این روزنامه، موضع بی طرفانه این کشور را طی بحران اخیر ستود .
۳. این مجله اهمیت موضع طرفدارانه کشور را در خلال بحران اخیر بیان نمود .
۴. این روزنامه موضع خصمانه این کشورها را در چالش های اخیر مورد انتقاد قرار داد.

۲۲- «عمليات التمشيط الواسعة النطاق»

۱. عملیات گسترده نیروهای ویژه امنیتی
۲. عملیات خانه به خانه گسترده
۳. جستجوهای خانه به خانه و بازرسی های گسترده
۴. عملیات گسترده یگان های ویژه پلیس

۲۳- « إن توقيع الاتفاقيات المشتركة وتسيير رحلات جوية مباشرة بين البلدين سيعزز العلاقات الثنائية أكثر فأكثر » .

۱. امضای قراردادهای و آسان ساختن پروازهای مستقیم هوایی میان این دو کشور روابط دو جانبه را بیشتر و بیشتر محکم خواهد کرد.
۲. امضای مصوبه های مشترک و جریان پروازهای مستقیم میان این دو کشور روابط دو جانبه را بیش از پیش ، تقویت خواهد کرد.
۳. امضای توافقنامه های مشترک و برقرار کردن پروازهای مستقیم میان این دو کشور، روابط دو جانبه را بیش از پیش ، تقویت خواهد کرد.
۴. امضای قراردادهای و از سرگیری پروازهای مستقیم هوایی بین این دو کشور، روابط دو جانبه را هرچه بیشتر تحکیم خواهد کرد.

۲۴- « إن الاقتراح بحجب الثقة و شطب اسم المرشح وسرقة أقراسه المعلوماتية، ممارسات قمعية » .

۱. پیشنهاد پس گرفتن رای اعتماد و ذکرنام خانوادگی کاندیدا و دزدی سی دی های اطلاعاتی وی، اعمالی سرکوبی است .
۲. پیشنهاد عدم رای اعتماد و ذکرنام کاندیدا و سرقت قرص های تقویت حافظه او اقداماتی سرکوب گرانه است .
۳. پیشنهاد استیضاح و حذف نام خانوادگی کاندیدا و دزدی سی دی های اطلاعاتی وی، اعمالی ایدایی است .
۴. پیشنهاد پس گرفتن رای اعتماد و حذف نام کاندیدا و سرقت دیسکتهای اطلاعاتی او، اقداماتی سرکوب گرانه است .

۲۵- «لأنه كان يخشى أن يوصف بالشرّ أو أن يتغامز عليه إخوته» .

۱. زیرا اوهراس داشت که مبدا از اشار به حساب آید و مورد تنفر خواهرانش واقع گردد.
۲. بلکه از آن می هراسید که پرخور و شکمو معرفی شود یا مورد تمسخر برادرانش واقع گردد.
۳. زیرا می ترسید که معروف به شرارت گردد یا مورد آزار و اذیت برادران قرار گیرد .
۴. برای اینکه اونگران بود که شکم پرستی اوموجب رنجوری برادرانش از او گردد.

۲۶- عين الصحيح في تعريب المصطلحات و العبارات التالية: «سلاح های کشتار جمعی»

۱. أسلحة الدمار الشامل
۲. السلاح الفتاك الجمع
۳. أسلحة الدمار التام
۴. السلاح التدمير الماسع

۲۷- «سازمان حمایت از محیط زیست»

۱. منظمة حماية وتحسين البيئة
۲. منظمة الصحة و حماية البيئة
۳. مصلحة التحسين وتدعيم البيئة
۴. مصلحة الصحة و تحسين البيئة

۲۸- «سازمان هواپیمائی کشور»

۱. مَنَظْمَةُ الطيران المدني
۲. أنظمتهم خطوط الجوية الدولي
۳. مَنَظْمَةُ الإقلاع الوطني
۴. مؤسسه الطيران البلدي

۲۹- صندوق بين المللي پول

۱. صندوق الأموال الدولي
۲. صندوق النقد الدولي
۳. الصندوق دولي النقد
۴. صندوق النقود الدولية

۳۰- «این خشونت نژادی صلح را متزلزل وچهره کشور را مشوه می کند» .

۱. هذا العنف العنصرى يزعزع السلام و يشوه صورة البلاد .
۲. هذه الخشونة الطائفية تهدد الصلح و تُقبح تصوير البلد .
۳. هذه التسوية العنصرية تحدد السلام و تشوه صورة البلاد .
۴. هذا التمييز العنصرى تحدد الصلح تُقبح تصوير البلاد .

۳۱- «شورای امنیت موافقت خود را جهت فرستادن نیروهای حافظ صلح اعلام کرد».

۱. مجلس الشورى الأمنى يوافق على إرسال قوات الصلح .
۲. مجلس الأمان الدولى يعرب عن تأييده لإرسال قوات سلام .
۳. مجلس الأمن أعرب عن موافقته على إرسال قوات حفظ السلام .
۴. مجلس الأمان الدولى يعلم موافقته لإيصال قوات حفظ الصلح .

۳۲- « جمهوری اسلامی ایران در بزرگترین نمایشگاه بین المللی تمبرهای پستی شرکت کرد ».

۱. شرکت جمهوری ایران اسلامیة فی أكبر معرض الطّوابع البریدی الدولي.
۲. انضمت جمهوری ایران اسلامیة فی معرضٍ كبيرٍ دولی للطّوابع البریدیة .
۳. شارکت الجمهورية الإسلامية الإيرانية فی أكبر معرض دولی للطّوابع البریدیة .
۴. إشتراک الجمهورية الإسلامية الإيرانية فی أكبر معرضٍ دولی لطوابع البريد.

۳۳- « همه گواهی می دهند که این استاد دانشمند از بسیاری از مردان دوراندیش تر وعالمتر است» .

۱. يشهدونَ جميعاً إنّ هذه الاستاذةَ العالمةَ أكثر الرجال علماً وحزماً فی هذا العالم .
۲. نشهدُ جميعاً أنّ هذا الاستاذ الفاضل أكثر النساء علماً وحزماً من الرجال .
۳. الجميع يشاهدون إنّ هذه الاستاذةَ العالمةَ من أكثر الرجال احزم و أعلم .
۴. يشهدُ الجميعُ أنّ هذه الاستاذةَ الفاضلةَ أشدّ حزماً وأكثر علماً من كثير من الرجال .

۳۴- « گوشتی که در ماهی تابه سرخ شده بود ، روی میز قرار داد ».

۱. وَضَعْتَ عَلَى الْمَائِدَةِ اللَّحْمَ الَّذِي كَانَ قَدْ حُمِّسَ فِي الْمَقْلَاةِ .
۲. وَضَعْتَ عَلَى الْخَوَانِ اللَّحْمَ الَّذِي قَدْ سُلِقَ فِي الْمَشْوَاهِ .
۳. وَضِعَ اللَّحْمُ الْمَحْمُوسُ بِالْمَقْلَاةِ عَلَى الْمَائِدَةِ .
۴. وَضَعَ اللَّحْمَ الْمَشْوَى بِالصَّفَاءِ عَلَى الْمَنْضَدَةِ .

۳۵- « این طرح جدید برای حدود ۶۵ نفر فرصت شغلی ایجاد خواهد کرد ».

۱. سيؤمّنُ هذا المشروع الجديد لحوالي خمسةٍ وستينَ شخصاً فرصَ العمل .
۲. ستُحدِثُ هذه الخطّةُ الجديدةُ فرصةً للإشتغال لخمسةٍ وستينَ فردٍ تقريباً .
۳. ستوفّرُ هذه الخطّةُ البديعةُ زهاءَ خمسةٍ وستينَ فرصةً للعمل للأشخاص .
۴. ستُحدِثُ هذا المشروع الجيدُ فرصةً للإشتغال لخمس وستينَ افراداً .

۳۶- « دولت به حذف تشریفات اداری و ساده کردن مقررات متعهد است » .

۱. إنّ الحكومةَ ملتزمةٌ بالحدّ من الروتين الإداري و تبسيط الإجراءات .
۲. الحكومةُ تلتزم بحدود التدابير الإدارية و تسهيل المقررات .
۳. إنّ الحكومةَ تقرّر أن تلغی التدابير الإدارية واحداً تلو آخر
۴. لقي صمّت الدولة أن تحذف الدوام الإداري شيئاً فشيئاً

۳۷- « دوست من برای پیدا کردن کار به همه شرکتها سر زد ، ولی دست خالی بازگشت » .

۱. جال صدیقی إلى كلّ الشركات باحثاً العمل و لكنّه رجّع مأیوساً .
۲. طافَ صدیقی بكلّ الشركات للبحث عن العمل و لكنّه رجّع بخفّی حنین .
۳. راجع صدیقی كلّ الشركات للحصول على العمل، ولكنّه عاد على شاکلته .
۴. صدیقی للحصول على العمل جال إلى كلّ الشركات ولكنّه عاد مكتوفی الیدین .

۳۸- « پزشکان وقتی بیماری را تشخیص دادند که کار از کار گذشته بود » .

۱. الأطباء كشفوا عن المرض بعد أن قضى أمره .
۲. كشف الأطباء المرض بعد أن سبق السيف العذل
۳. كشف الأطباء المرض بعد أن سقط في أيديهم
۴. الأطباء لم يكشفوا المرض إلا بعد تأزم حال المريض

۳۹- « جهانی شدن فرهنگ، نه تنها کشورهای کوچک و در حال توسعه ، بلکه کشورهای بزرگ را نیز تهدید می کند » .

۱. التثقیف العالمی لم يتحدّ البلاد الصغیرة و النامیة فحسب، بل یهدّد بعض الدول الكبرى .
۲. عالمیة الثقافه لا تهدّد البلدان الصغیرة و النامیة فحسب ، بل قد تهدّد أيضاً دولاً کبری .
۳. علمانیة الثقافیة لم يتحدّ البلاد الصغیرة و النامیة فحسب و إنّما تهدّد أيضاً دولاً کبری .
۴. عولمة الثقافه لا تتحدّی البلدان الصغیرة و النامیة فحسب ، و إنّما تهدّد أيضاً دولاً کبری .

۴۰- « پلیس ضد شورش با پرتاب گازهای اشک آوارق‌دام به متفرق ساختن تظاهرکنندگان کرد. »

۱. حاولت شرطة مكافحة الشغب بتبديد المتظاهرين بإرسال الغازات المسيلة للدموع .
۲. قامت شرطة مكافحة الشغب بتفريق المتظاهرين بإطلاق غازاتٍ مسيلةٍ للدموع .
۳. الغازات المسيلة للدموع هي الوسيلة التي يفرّق بها شرطة مكافحة الشغب المتظاهرين .
۴. قامت شرطة مكافحة الشغب بتبديد المتظاهرين بإرسال الغازات الدّمار الشامل .

پاسخ صحیح

1	الف
2	د
3	ب
4	ب
5	ب
6	ج
7	ج
8	الف
9	ج
10	الف
11	الف
12	ب
13	الف
14	ج
15	ج
16	د
17	ب
18	د
19	ب
20	الف
21	ب
22	ب
23	ج
24	د
25	ب
26	الف
27	الف
28	الف
29	ب
30	الف
31	ج
32	ج
33	د
34	الف
35	الف
36	الف
37	ب
38	ب
39	د
40	ب

۱ - عین الصّحیح فی تعریب العبارات التالیة؟
«آغاز این زبان همچنان در پرده تاریک تاریخ است»:

۱. إلا أنّ أوائل تلك اللغة لاتزال مطوّیه فی مجاهل التاريخ .
۲. تلك اللغة أوائله لاتزال مطویه فی مجاهل التاريخ القديم .
۳. إلا أنّ أوائل هذه اللغة لايزال مخفیة فی استار التاريخ .
۴. ألا إنّ أوائل تلك اللغة لم تزل مطویة فی مجاهل التاريخ.

۲ - «زبان رسمی»:

۱. اللغة العالمية.
۲. اللغة المثالية.
۳. اللغة العامية.
۴. اللغة النموذجية.

۳ - «تمدن های همجوار»:

۱. حضارات المتآخمة
۲. الحضارات المتآخمة
۳. الحضارات الجوارية
۴. الحضارات المجاورة

۴ - «در قدیمی ترین کتیبه ها می توان صدها کلمه یافت که در هر دو زبان در لفظ و معنی مشترک باشند»:

۱. فی اکبر النقوش مائه الکلمه مشترکه بین اللغات و بعضها مطابق فی رسمه و معناه .
۲. فی اکبر النقوش مئات من الكلمات مشتركات بین اللغتين و بعضها المشترك فی رسمه و معناه .
۳. فی اقدم النقوش مئات من الكلمات المشتركة بین اللسانين لفظاً و معنی.
۴. فی اقدم النقوش مئات من الكلمات المشتركة بین اللغتين و بعضها مطابق فی رسمه و معناه .

۵ - «نقل کرده اند که روزی شاگردانش درباره هندوانه حلب و خوبی آن سخن می گفتند»:

۱. و قد زعموا أنّ تلاميذه تذكروا بطيخ حلب و جودته.
۲. و حکوا أنّ تلاميذه تذاکروا بطيخ حلب و کیفیته.
۳. و قد زعموا أنّ تلاميذه تذاکروا يوماً بطيخ حلب و جودته.
۴. و نقلوا إنّ طلابه تذاکروا يوماً بطيخ حلب و صحته.

۶ - «بارزترین نمود حق آزادی فرد در ساختار زندگی اجتماعی پذیرفتن حق مشارکت برای فرد در تعیین سرنوشت جمعی است»:

۱. إنّ من اهم مظاهر حق الحرية الفردية فی البناء الحياتي الاجتماعي مسألة القبول بحق المشاركة الفردية فی تعيين المصير الاجتماعي .
۲. إنّ من اهم مصادر حق الحرية الفردية فی البناء الاجتماعي مسألة القبول بحق المشاركة الفردية فی تقدير المصير الاجتماعي .
۳. أنّ من اهم مظاهر حق الحرية فی البناء الحياتي الاجتماعي مسألة القبول بحق المشاركة العامة فی تعيين المصير الاجتماعي .
۴. أنّ من اهم مظاهر حق الحرية فی البناء الحياتي الاجتماعي مسألة القبول بحق المشاركة الفردية فی تعيين التقدير الاجتماعي .

۷- «دستورات قرآن در زمینه تفکر و تعقل و تدبیر کلا دلالت بر آزادی فکر و عقیده دارد»:

۱. «إِنَّ تَعَالِيمَ الْإِسْلَامِ الْوَاردَةَ فِي مَبَاحِثِ التَّعْقُلِ وَالتَّدْبِيرِ يَدُلُّ كُلُّهَا عَلَى الْحَرِيَةِ الْفَكْرِ وَالْعَقِيدَةِ .
۲. «إِنَّ تَعَالِيمَ الْقُرْآنِ الْوَاردَةَ فِي مَجَالِ التَّعْقُلِ وَالتَّفَكُّرِ وَالتَّدْبِيرِ يَدُلُّ كُلُّهُ عَلَى الْحَرِيَةِ الْفَكْرِيَةِ .
۳. «إِنَّ تَعَالِيمَ الْقُرْآنِ الْوَاردَةَ فِي مَجَالَاتِ التَّعْقُلِ وَالتَّفَكُّرِ وَالتَّدْبِيرِ تَدُلُّ كُلُّهَا عَلَى الْحَرِيَةِ الْفَكْرِيَةِ وَالْعَقَائِدِيَةِ .
۴. «إِنَّ تَعَالِيمَ الْإِسْلَامِ فِي مَبَاحِثِ التَّعْقُلِ وَالتَّفَكُّرِ تَدُلُّ كُلُّهَا عَلَى الْحَرِيَةِ الْفَكْرِيَةِ وَالْعَقَائِدِيَةِ .

۸- «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می کند که تفتیش عقاید ممنوع است»:

۱. «إِنَّ الْقَانُونَ الْإِسْلَامِي فِي الْجُمْهُورِيَةِ الْإِيرَانِيَةِ يَصْرَحُ بِتَفْتِيْشِ الْعَقَائِدِ الشَّخْصِيَّةِ .
۲. «إِنَّ الدِّسْتُورَ الْإِسْلَامِي لِلْجُمْهُورِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي الْإِيرَانِ تَصْرَحُ بِجَوَازِ تَفْتِيْشِ الْعَقَائِدِ .
۳. «إِنَّ الْقَانُونَ الْإِسْلَامِي لِلْجُمْهُورِيَةِ الْإِيرَانِيَّةِ يَصْرَحُ بِعَدَمِ تَفْتِيْشِ الْعَقَائِدِ الشَّخْصِيَّةِ .
۴. «إِنَّ الدِّسْتُورَ الْإِسْلَامِي لِلْجُمْهُورِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي الْإِيرَانِ يَصْرَحُ بِعَدَمِ جَوَازِ تَفْتِيْشِ الْعَقَائِدِ .

۹- «اما طبق قرائن حتمی ، جهاد اهل بیت به این هدف ها محدود نمی شد»:

۱. «و لكن استنادا الى الأدلة القاطعة فإنّ جهاد اهل البيت لم يكن محدودا بهذه الاهداف فحسب .
۲. «و لكنّ استنادا الى البراهين القاطعة فإنّ جهاد اهل البيت كان مقصوراً بهذه الاهداف فقط .
۳. «و لكن استنادا الى القرائن الحتمية فإنّ جهاد اهل البيت لم يكن منحصرّاً بهذه الاهداف فقط .
۴. «و لكنّ استنادا الى القرائن القاطعة فإنّ جهاد الاهداف اهل البيت ما كان محدودا بتلك الاهداف فحسب .

۱۰- «از شمشیر هارون خون می چکید»:

۱. «كان هارون تقطّر دمّاً من سيفه .
۲. «كان سيف هارون يقطّر دمّاً .
۳. «كان من سيف هارون تقطّر الدموع .
۴. «كانت من سيف هارون يقطّر دموع الأعداء .

۱۱- «هدف انبياء رهایی انسان ها از ولایت غیر خدا بود»:

۱. «كان هدف الانبياء تخليص أفراد الانسان من ولاية ما سوى الله .
۲. «كانت هدف الانبياء إطلاق سراح الانسان من ولاية غير الله .
۳. «كانت هدف الانبياء تخليص أفراد الانسان من ولاية غير الله .
۴. «كان هدف الانبياء اخلاص أفراد الانسان من حكومة ما سوى الله .

۱۲ - «اما بعدها همین سران قریش که از بستگان او بودند، در مقابلش ایستادند»:

۱. لکن اُسرتِه کانت من زعماء قریش و الذین خالفوه بعدئذ و عاونوه .
۲. لکن اُقرباءه کان من زعماء قریش هم اللاتی خالفوه و نابذوه.
۳. لکن اُسرتِه من زعماء قریش هم الذین خالفوه بعدئذ و عارضوه .
۴. لکن اُقرباءه من زعماء قریش هم الذین خالفوه بعدئذ و عارضوه .

۱۳ - «از او خواستم از دوران جوانی اش بگویند که با محمد دوست بوده است»:

۱. سألته أن یحکی عن أيام شبابه حین کان صديقا لمحمد .
۲. سألته أن یحکی عن أيام شبابه حینما صديقا لمحمد .
۳. سألته أن یروی لنا عن أيام شبابه حین کان صديقا لمحمد .
۴. سألته أن یحکی عن أيام شبابه حین کنت صديقا لمحمد .

۱۴ - «من با کمک آنها و جوانان مکه اجازه نخواهم داد کهن قدرتمندان بر ضعیفان ظلم کنند»:

۱. بمعونتهم و معونة شبان مكة لن أسمح أن یظلم الاقویاء الضعفاء .
۲. بمعونتنا و معونة شباب مكة لا أسمح أن یظلم القادرون الضعفاء .
۳. بمعونتهم و معونة شبان مكة لا نسمح أن یظلم الاقویاء الضعفاء .
۴. بمعونتهم و معونة شبان مكة لن أسمح أن یظلموا الاقویاء الضعفاء .

۱۵ - «پیش از ترجمه یک کتاب باید نخست آن را با دقت بخوانیم به طوری که مقصود نویسنده کتاب را خوب درک کنیم»:

۱. قبل أن نبدأ بترجمة الكتاب أن نقرأه قراءةً واعيةً أولاً حتى ندرک ما یهدف الیه الكاتب جيداً .
۲. قبل أن نبدأ بترجمة الكتاب علينا أن نقرأه حتى ندرک بدقه ما یهدف الیه الكاتب بشكلٍ حسنٍ .
۳. قبل أن بدأنا بترجمة الكتاب علينا أن نقرأه بدقةً أولاً حتى نفهم ما یقصده الكاتب جيداً .
۴. قبل أن نبدأ بترجمة الكتاب علينا أن نقرأه بدقةً أولاً حتى ندرک ما یهدف الیه الكاتب جيداً .

۱۶ - «آزادی مطلق چیزی جز هرج و مرج و نقض تعهدات اجتماعی نیست»:

۱. الفوضى و نقض الالتزامات الاجتماعیة هی الحرية المطلقة بلا قيد و شرط .
۲. لیست الحرية المطلقة إلّا نقض الفوضى و الالتزامات الاجتماعیة .
۳. إن الحرية المطلقة لا تعنی سوى الفوضى و نقض الالتزامات الاجتماعیة .
۴. الحرية المطلقة بلا قيد و شرط هی الفوضى و التعهدات الاجتماعیة .

۱۷ - «بنابر این ترجمه کتاب های مهم و سودمند، کاری تفننی نیست»:

۱. علی هذا فإنّ ترجمه الكتب المهمة و المفيدة تعتبر عملاً تفنياً .

۲. علی هذا فإنّ ترجمه الكتب المهمة و المفيدة لا تعتبر عملاً تفنياً.

۳. علی هذا الأساس أنّ ترجمه الكتب المهمة و المفيدة لا يعتبر عملاً غير تفنياً .

۴. علی هذا فإنّ ترجمه الكتب المهمة و المفيدة يعتبر عملاً تفنياً .

۱۸ - «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند»:

۱. لكلّ واحد الحقّ فی أنّ يختار العمل الذی یرغب فیہ دون أنّ یرغب مخالفاً للإسلام و للمصالح العامة و حقوق الآخرين .

۲. لكلّ واحد فی أنّ يختار العمل الذی یمیل منه دون أنّ یرغب مخالفاً للإسلام و للمصالح العمومية و منافع الآخرين .

۳. لكلّ واحد الحقّ يختار العمل الذی یرغب فیہ دون أنّ یرغب مخالفاً للإسلام و للمصالح العامة و حقوق الآخرين .

۴. لكلّ شخص فی أنّ يختار العمل الذی یمیل فیہ دون أنّ یرغب مخالفاً للإسلام و للمصالح العامة و حقوق الآخرين .

۱۹ - «حقاً باید گفت سیاست مأمون از پختگی و عمق بی نظیری برخوردار بود»:

۱. ینبغی بالقول أنّ سياسة المأمون کان ینطوی علی الحنكة و البعد لیس لهما نظیر.

۲. ینبغی القول حقاً أنّ سياسة المأمون کانت ینطوی علی حنكة و بعد لیس لهما مثیل .

۳. ینبغی القول أنّ سياسة المأمون کانت تنطوی علی حنكة و بعد لیس لهما مثیل .

۴. ینبغی القول الحقّ أنّ سياسة المأمون کان تنطوی علی حنكة و بعد لیس لها مثیل .

۲۰ - «چهره انبیا در قرآن به صورت آزاد مردانی ترسیم شده که برای رهایی مردمشان از قید و بند اسارت نمرودها و فرعون ها و قیصرها تلاش می کرده اند»:

۱. إنّ القرآن الکریم یرض صورة الانبیاء کرجال احرار عملوا علی تحریر شعوبهم من القیود و الاغلال الّتی فرضها کلّ الفراعنة و النمرودین و القیاصرة.

۲. إنّ القرآن الکریم تعرض تصاویر الانبیاء کرجال ثقة عملوا علی تحریر ملتهم من القیود و الاغلال الّتی فرضها کلّ الفراعنة و النمرودین و القیاصره .

۳. تعرض القرآن الکریم صورة الرسل کرجال احرار يعملون علی تحریر شعوبهم من القیود و الاغلال الّتی فرضها کلّ الفراعنة و النمرودین و القیاصرة.

۴. لقد عرض القرآن الکریم صورة الانبیاء کرجال احرار يعملون علی تحریر شعوبهم من القیود و الاغلال الّتی فرضها کلّ الفراعنة و النمرودین و القیاصره .

۲۱ - «این مبارزه بزرگترین هدفش تشکیل نظام اسلامی و تأسیس حکومتی بر پایه امامت بود»:

۱. کان من اهم اهداف هذا النضال، إقامة النظام الاسلامي و تأسيس حكومة قائمة على اساس الامامة.
۲. کان من اهم اهداف هذا النضال، تأسيس حكومة و إقامة النظام الاسلامي قائمه على اساس الامامة.
۳. من اهم اهداف هذه النضال، تأسيس حكومه و إقامة نظام الاسلامي و قائمة على اساس الامامة.
۴. کان من اهم اهداف هذه النضال، إقامة نظام الاسلامي و تأسيس حكومه قائم على اساس الامامة .

۲۲ - « حق مشاركت در سرنوشت جمعی را در شکل یک مسؤولیت سنگین اجتماعی می توان در متون اسلامی به این صورت عام مورد مطالعه قرار داد»:

۱. أنّ حق المشاركة في التقدير العام باعتباره مسؤولية اجتماعية ثقيلة العبء يمكن ملاحظته في المتون الإسلامية .
۲. إنّ حق المشاركة في المصير العام باعتباره مسؤولية اجتماعية ثقيلة العبء يمكن ملاحظته في النصوص الإسلامية.
۳. إنّ الحق الإشتراكية في مصير العام باعتباره مسؤولية اجتماعية ثقيلة العبء يمكن ملاحظته في النصوص الإسلامية.
۴. حق المشاركة في تقدير العام باعتباره مسؤولية اجتماعية ثقيلة يمكن ملاحظتها داخل النصوص الإسلامية.

۲۳ - «خلفای اموی و عباسی در هیچ زمان نتوانستند با نابود کردن امام، جریان امامت را نابود کنند»:

۱. و إن استطاع الخلفاء الأمويون و العباسيون في كلّ زمان من القضاء على شخصية الامام ، فإنّهم لن تتمكّنوا من القضاء على اطار الامامة.
۲. و إن استطاع الخلفاء الأمويون و العباسيون في كلّ زمان من القضاء على شخص الامامة، فإنّهم لم تتمكّنوا من القضاء على حذف الامامة .
۳. و إن استطاع الخلفاء الأمويين و العباسيين في كلّ زمان من القضاء على شخصية الامام ، فإنّهم لم يتمكّنوا من القضاء على زحف الامامة .
۴. و إن استطاع الخلفاء الأمويون و العباسيون في كلّ زمان من القضاء على شخص الامام ، فإنّهم لم يتمكّنوا من القضاء على زحف الامامة .

۲۴ - « ابراهيم بت ها را می شکند و پیامبر اسلام بت ها را به بدی یاد می کند و سر انجام دستور سرنگونی آنها را صادر می کند»:

۱. لقد حطّم ابراهيم (ع) الاصنام و وصمها رسول الاسلام بكلّ سوء و أصدر بالتالي أمرا بتحطيمها .
۲. يحطّم ابراهيم (ع) الاصنام وفي النهاية يصمها رسول الاسلام بكلّ السوء و أمر بالتالي بتحطيمها .
۳. لقد حطّم الابراهيم (ع) الاصنام و وصمها الرسول الاسلام بكلّ سوء و أصدر بالتالي بتخريبها .
۴. كان ابراهيم (ع) قد حطّم الاصنام و وصمها رسول الاسلام بكلّ سوء و يصدر بالتالي أمرا بتحطيمها .

۲۵ - «به همین دلیل حقیقتی معنا دار و مبتنی بر یک جهان بینی و دید توحیدی عمیق می باشد»:

۱. و لهذا فهو حقيقة ذات معنى تبتنى على اساس من نظرة كونية و توحيدية عميقة .
۲. و لهذا فهي حقيقة ذات معنى يبتنى على اساس من نظرة كونية و توحيدية عميقة .
۳. و لهذا فهي حقيقة ذات المعنى تبتنى على الاساس من نظرة توحيدية عميقة .
۴. و لهذا فهي الحقيقة الأصلية ذات معنى تبتنى على اساس من نظرة عميقة .

۲۶ - «در اسلام مبارزه در راه آزادی و ریشه کن نمودن کسانی که انسان ها را به بند می کشند، تمام نمی شود»:

۱. إنّ المنافسة في الاسلام في سبيل الحرية ينتهي عند الجهاد العنيف ضدّ اعداء الحرية و اقتلاع جذور الجبابة المستعبدون للآخرين .
۲. إنّ المكافحة في الاسلام في السبيل الحرية تنتهي عند الجهاد العنيف ضدّ اعداء الحرية و اقتلاع الجذور الجبابة المستعبدین للآخرين .
۳. إنّ النضال في الاسلام في سبيل الحرية لا ينتهي عند الجهاد العنيف ضدّ اعداء الحرية و اقتلاع الجذور الجبابة المستعبدین للآخرين .
۴. إنّ النضال في الاسلام في سبيل الحرية لا تنتهي عند الجهاد الشديد ضدّ اعداء الحرية و اقتلاع جذور الظالمين المستعبدین للآخرين .

۲۷ - «بدان که قوم یهود دشمن او خواهد شد و علیه او توطئه خواهد کرد همان طور که علیه پیامبر ما عیسی مسیح کردند و او را به قتل رساندند»:

۱. و اعلم أنّ اليهود یکیدون له و یعادونه حتّی قتلوه کنبّینا عیسی .
۲. و اعلموا أنّ قوم اليهود کما صنعوا بعیسی یعادونه حتّی قتلوه .
۳. و اعلم أنّ اقوام اليهود کاد یعادونه و یکیدون له، کما صنعوا بعیسی .
۴. و اعلم أنّ اليهود یعادونه و یکیدون له ، کما صنعوا بعیسی حتّی قتلوه .

۲۸ - «این کودک بسیار آرزو می کرد که بتواند هنگام غذا خوردن با خود خلوت کند، ولی جرأت نداشت این آرزو را با خانواده خود در میان نهد»:

۱. کم کان یتمنّى هذا الطفل لو یستطیع أن یخلو الی طعامه و لکنّه لم یکن یجرؤ علی أن یعلن الی أهله هذه الرغبة .
۲. کم کان یتمنّى الطفل هذا لو استطاع أن یخلو الی طعامه و لکنّه لم یکن یجرؤ علی أن یعلن الی أهله هذه الرغبة .
۳. کم کان تتمنّى الطفل لو استطاع أن یخلو الی طعامه و لکنّه لم یکن یجرؤ علی أن یعلن الی أهله هذه الأمنية .
۴. کم کان یتمنّى الطفل هذه أن یخلو الی طعامه و لکنّه لم یکن یجرؤ علی أن یعلن الی أهله هذه الرغبة .

۲۹ - « به جز اینها هدف های دیگر نیز برای مأمون متصور بود »:

۱. هناك اهداف اخرى ايضاً، عدا ما ذكر كانت في قرار المأمون .
۲. هناك اهداف اخرى ايضاً، عدا ما يذكر كانت في القرار المأمون .
۳. هناك اهداف أخر ايضاً ، عدا ما يذكر كان في قرار المأمون .
۴. هناك الاهداف الاخرى ايضاً ، عدا ما ذكر كان في قرار المأمون .

۳۰ - برای تشخیص میزان آگاهی و فرهنگ سیاسی یک ملت و نیز سطح دموکراسی در یک جامعه از معیارهای مختلف و از وسایل سنجش متفاوتی استفاده می شود:

۱. لكي تتم تعيين مدى الوعي الثقافي و السياسي لأيّ شعب و كذلك المستوى الديمقراطي في المجتمع، يستعين بمعايير مختلفة .
۲. لكي تتم مدى الوعي الثقافي و السياسي لأيّ شعب و هكذا مستوى الديمقراطية في المجتمع، تُستعان بمعايير متفاوتة .
۳. لكي يتم مدى وعي الثقافي السياسي لأيّ شعب و كذلك المستوى الديمقراطي في مجتمع، يُستعان بمعايير متفاوتة .
۴. لكي يتم تعيين مدى الوعي الثقافي و السياسي لأيّ شعب و كذلك مستوى الديمقراطية في المجتمع، يُستعان بمعايير متفاوتة .

شماره سوال	پاسخ صحیح
1	الف
2	ب
3	ب
4	د
5	ج
6	الف
7	ج
8	د
9	الف
10	ب
11	الف
12	د
13	الف
14	الف
15	د
16	ج
17	ب
18	الف
19	ج
20	الف
21	الف
22	ب
23	د
24	الف
25	ب
26	ج
27	د
28	ب
29	الف
30	د

۱ - زبان قحطانی یمن با زبان عدنانی حجاز هم از جهت صرف و هم از جهت اشتقاق فرق داشت:

۱. كانت لغة اليمن القحطانية تختلف عن لغة الحجاز العدنانية في الأوضاع و التصارييف و أحوال الإشتقاق
۲. لغة اليمن القحطانية لن تختلف عن لغة الحجاز لا في الأوضاع و الأحوال ولا في الإشتقاق
۳. لغة اليمن هي التي أرادت أن تختلف عن اللغة القحطانية في التصارييف و الأوضاع و الإشتقاق
۴. لغة الحجاز تختلف كل الإختلاف عن اللغة القحطانية اليمنية في الأوضاع و أحوال التصارييف

۲ - این بازارها به مثابه نمایشگاههایی بود و مردم از اقطار جزیره العرب به دیدن آنها می آمدند:

۱. الأسواق التي كانت تعرض الأجناس كانت افضل واجود الأسواق في الأقطار العربية
۲. كانت تلك الأسواق أشبه به معارض عامة يفد إليها الناس من مختلف أنحاء الجزيرة
۳. المعارض العامة كانت كالأسواق تفد إليها الناس من مختلف الأقطار العربية
۴. كانت الأسواق في جزيرة العرب كالمعارض العامة لهذا كانت الناس تفد إليها من كل مكان

۳ - در آغاز نابینایی، بسیار کنجکاو بود. در راه کشف مجهولات از هیچ چیز نمی هراسید:

۱. هو كان في شبابه يحب أن يتطلع على الأمور لكن ليس له بصر حتى يستكشف الأشياء
۲. كان من بداية حياته متطلع على الأمور مع أنه كان بصيراً يرى الأشياء التي يستكشفها
۳. كان من أول أمره طُلعة لا يحفل بما يلقي من الأمر في سبيل أن يستكشف ما لا يعلم
۴. كان كثير الذكا متطلعاً على الأمور و يحاول الكشف عن ما هو غير واضح

۴ - دوست ما حقیقت این نشیب و فرازهای زندگی ابوالعلا را دریافته بود زیرا خود را گرفتار همان دام بلا می دید:

۱. ما فهم صاحبنا حياة أبي العلاء لانه ما رأى نفسه بتلك الرؤيا التي لابد من رؤاها
۲. الأطوار المهمة التي تصداها أبو العلاء عرفها صاحبنا حق العرف لهذا رأى نفسه فيها
۳. صاحبنا قد عرف الأمر من بدايته وعرف حياة أبي العلاء بشكل جيد لانه وجد نفسه فيه
۴. فهم صاحبنا هذه الأطوار من حياة أبي العلاء حقّ الفهم ؛ لأنه رأى نفسه فيها

۵ - این کم خوراکی به علت کم اشتهايي نبود بلکه از آن می هراسید که مورد تمسخر برادرانش واقع گردد:

۱. ليس قلة أكله من باب أنه لا يحب هذه الأكله بل كان يخاف من إخوته لكي يسخرون منه
۲. كان قليل الأكل لا لأنه كان قليل الميل إلى الطعام بل لأنه كان يخشى أن يتغامز عليه إخوته
۳. كان قليل الأكل و هذا ليس له بجديد بل ما هو جديد أن يخش من إخوته أن يتغامزوا عليه
۴. ليس قلة الأكل من قلة ميله إلى الطعام بل كان و لا يزال يخاف أن يسخروا عليه أبناء إخوته

۶ - بهترین سرگرمی برای زنان روستایی مصر آن است که در لحظات تنهایی رنج ها و عزیزان از دست رفته خود را به خاطر بیاورند:

۱. أحبّ شيء إلى نساء القرى إذا خلون إلى أنفسهنّ أن يذكرن آلامهنّ و موتاهنّ فيعدّدن
۲. ما تحب نساء الريف هو التسلى و الجلوس معاً و ذكر الأموات و الآلام
۳. لا يلهى نساء القرية إلا الحكايات القديمة التى تطرق إلى الأموات و الآلام
۴. ما تحب نساء الريف هو الحنان و الجلوس و الإبتعاد عن ذكر الأموات و الآلام

۷ - هدف ادبیات تأثیر گذاشتن بر احساس خوانندگان و شنوندگان است و از این رو بر تخیل متکی است؟

۱. ما يهدف إليه الأدب هو الإحساس و انبعاث المخاطبين و السامعين و التفاتهم نحو التخیل و عدم الحقيقة
۲. كما هو معروف أن القراء و السامعون لا يطلبون الإثارة فلذلك لا يحبون ولا يتجهون نحو أدب الأفلام الغير حقیقه
۳. والأدب هو ذائع مشهور يُقصد به إلى اثاره الإنفعالات فى قلوب القراء و السامعين ولذلك كان يعتمد إلى الخيال
۴. ما يقصده الأدب هو الإنفعال فى قلوب الناس فحسب ولا يريد منهم أن يتطرقوا إلى الخيال الذى يتعمده المخرجون

۸ - پس ادبیات ربطی به واقعیت ندارد و راست و دروغ در آن بی معناست:

۱. لا يرتبط الأدب بالحقیقه و ليس الصدق والكذب من شأنه
۲. ثمّ الأدب كان هو الصدق والكذب ولا يرتبط به الحقیقه
۳. كان الأدب مسقلاً فلا يدخل فيه الحقیقه والصدق وما يشابهه
۴. ومن أجل ذلك كان الأدب لا يرتبط بحقیقه ولا بصدق وكذب

۹ - گفت: از خدا بترس درستی پیشه کن زیرا همه آنهاى که شأن نزول آیات قرآنى را مى دانستند، مردند:

۱. فقال: اتق الله و عليك بالسداد فقد ذهب الذين يعلمون فيم أنزل القرآن
۲. فقال: لا تخاف و عليك بالصدق فقد رحلوا الذين يعرفون القرآن
۳. فقال: إخشى الله واتخذ درب الصالح فقد ماتوا الذين يعلمون لمن أنزل القرآن
۴. فقال: ألا تتقى الله و عليك بالإبتعاد مما لا تعرفه فقد انتهوا الذين يعرفون منزله القرآن

۱۰ - تعبیر با لفظ ماضی یاد شده تا افاده مستقبل متحقق الوقوع کند:

۱. التعبير عن الماضى بلفظ المستقبل هو ما يذكركنا بتحقيقه
۲. التعبير عن المستقبل بلفظ المضىّ تنبيهاً على تحقق وعوده
۳. التعبير عن الحال بلفظ الماضى ينبه عن تحقيق الوعود
۴. التعبير عن المستقبل بلفظ الماضى لا يشير إلى تحقق وعوده

۱۱ - ایرانیان پیش از اسلام نسبت به ترجمه کتاب هایی از منابع هندی و یونانی رغبت بسیار نشان می دادند:

۱. وقد أبدى الإيرانيون قبل الإسلام رغبةً شديدةً في ترجمة الكتب الهندية واليونانية
۲. أبدى الإيرانيون علاقتهم في ترجمة الكتب السريانية واليونانية منذ فترة طويلة
۳. برز الإيرانيون رغبتهم الصامدة في ترجمة الكتب اليونانية والهندية في صدر الإسلام
۴. برز الإيرانيون إعجابهم في ترجمة الكتب بعد صدر الإسلام كالكتب الهندية واليونانية

۱۲ - بنابراین ترجمه کتابهای سودمند نه تنها کار تفننی نیست بلکه امری دقیق و اساسی است:

۱. ترجمه الكتب المهمة والمفيدة ليس عملاً سهلاً بل تفنياً وهو مسألة حساسة ودقيقة
۲. على كل حال ترجمه الكتب المهمة ولمفيدة ليست عملاً تفنياً بل من أهم المسائل الدقيقة والاساسيه
۳. مما يهمنا فإن ترجمه الكتب المفيدة هو العمل الفني الذي يحمل في طياته من المسائل الأساسية
۴. وعلى هذا فإنّ ترجمه الكتب المهمة والمفيدة لا تعتبر عملاً غير تفنياً فقط وإنما هي مسألة دقيقة وأساسيه

۱۳ - گروهی از مترجمان نا آزموده تنها استفاده از کتب لغت را اساس کار قرار می دهند:

۱. فئة من المترجمين المفتقرين للتجربة يعتمدون على المعاجم في ترجمتهم فقط
۲. ثلّة من المترجمين الذين ليس لهم الخبرة الوافية يحاولون الاعتماد على المعاجم
۳. قليل من المترجمين المفتقرين للمطالعة يعتمدون على الترجمة التي أتت عن طريق المعاجم
۴. فئة من المترجمين الذين ليس لهم الكفاءة اللازمة للترجمة تركوا المعاجم فأبدوا بأرائهم

۱۴ - مترجم به زبانی که کتاب بدان زبان نوشته شده است آشنایی کامل داشته باشد:

۱. من صفات المترجم أن يكون ذا خبرة في ما كتب بالكتاب
۲. المترجم أن يكون متضلّعاً في لغة الكتاب التي دَوّن بها
۳. على المترجم التسلط الازم في اللغة التي يكتب بها الكتاب
۴. المترجم أن يكون خبيراً بلغة الأم التي كتب بها الكتاب

۱۵ - من نیز پس از اقامتی کوتاه در مکه و تهیه گزارش هایی درباره او به یثرب خواهم رفت:

۱. سأذهب إلى مدينة النبي بعد أن أترك مكة قاصداً إليها لكي أكتب عنه
۲. أنا أيضاً من الذين سأروح بنفسى إلى يثرب لرؤية المكان كاتباً عنه
۳. أنا أيضاً سأروح إلى يثرب بعد أن أبقى في مكة قليلاً لأعدّ تقارير عنه
۴. سأذهب ماشياً إلى مدينة النبي بعد أن أكون في أم القرى كثيراً لكي أكتب التقارير

۱۶ - کار تحقیق را از هم کیشانم که چند نفری بیش تر نیستند شروع کردم وبعد به عنوان تاجری رومی به میان توده های مردم رفتم:

۱. الذين جلس معهم هم أبناء قومي الذين كان عددهم في بداية الأمر كثيرين ثم من طريقهم وصلت إلى الناس بوصفي تاجراً من الروم
۲. الممهدون لي بانتصار رسالتي هم أبناء قومي ولاغير وإن كان عددهم قليلا وبدأت أنا بوصفي تاجراً من الروم بين الناس في مكّة
۳. بدأت بالفحص عن ديني عن طريق أبناء قومي الذين تجاوز عددهم بوصفي أنا تاجراً آتياً من الروم بين الناس في أم القرى
۴. وبدأت بالبحث والتفحص عن طريق أبناء ديني الذين لا يتجاوز عددهم في مكّة بضعة أنفار ثم خالطت الناس من طبقات شتى بوصفي تاجراً من الروم

۱۷ - در چشم های او نفوذ یک پیامبر الهی ودر کتف او علامت و نشانه پیامبری است:

۱. ما رأيته أنه نبي وعلى كتفه علامة من علامات الأنبياء
۲. في عينيه نفوذ نبي وعلى كتفه علامة النبوة
۳. في عيناه نفوذ نبي من أنبياء الله وعلى كتفه علامة
۴. ما رأيته بعيني هو علامة من علامات الأنبياء في عينيه

۱۸ - پیر مرد حرفم را برید وگفت: خیر درباره او اصلاً چنین فکر نکنید او از مشهورترین قبیله عرب بود:

۱. قاطعني العجوز قائلاً: كلا أفلح عن هذا التفكير من الأساس فهو من قبيلة هي من أشهر قبائل العرب
۲. قطع كلامي الطاعن في السن قائلاً: كلا أترك هذا الكلام فإنه من الأساس ليس بصحيح فهو من أشهر قبائل العرب
۳. قاطعني من كان كبيراً في السن قائلاً: كلا هذا غير صحيح ولا تفكرون به فهو من قبيلة هي من أشهر قبائل العرب
۴. قاطعني العجوز قائلاً: كلا هذا هو التكفير لا أساس له فهو من أفضل قبائل العرب بل من أشهرها على الإطلاق

۱۹ - بزرگان مكه وريش سفیدان قبیله او را مشاورى امین وصادق در کارهای خود می شناسند وبه او رجوع می کنند:

۱. كبار مكّة وتجارها جعلوه لأنفسهم مستشاراً صادقاً يقولون له من الأمور لا يطلع عليها أحد من الناس
۲. أعيان أم القرى وأصحابها وجدوا في هذا الشخص صدق فلهذا جعلوه مشيراً لهم في أهم أمورهم
۳. إن زعماء مكّة وأعيانها وجدوا فيه مستشاراً أميناً صادقاً يرجعون إليه فيما يعرض لهم من شئون
۴. زعماء أم القرى وأصحابها وجدوا رجلاً قد أطمأنوا به فقالوا له ما لا يقولون لأحد من الناس

۲۰ - حق مشارکت در سر نوشت جمعی در شکل یک مسئولیت سنگین اجتماعی می توان در متون اسلامی به صورت عام مورد مطالعه قرار داد:

۱. إنّ حق المشاركة في المصير العام باعتباره مسؤولية اجتماعية ثقيلة العبء يمكن ملاحظته في النصوص الإسلامية
۲. المسؤولية الاجتماعية ثقيلة العبء ولا نجد لها إلا في النصوص الإسلامية فلماذا لها الأهمية في تحديد المصير العام
۳. حق المشاركة باعتبارها مسؤولية اجتماعية يمكن ملاحظتها في النصوص الإسلامية فهي ثقيلة العبء
۴. إنّ حق المشاركة في المصير هي المسؤولية الثقيلة لا يمكن ملاحظتها إلا في النصوص الإسلامية

۲۱ - در آغاز این بحث باید معنی آزادی را روشن کنیم:

۱. في مطلع البحث لابد أن نبين الحرية المطلقة
۲. علينا البحث والتبين لمعنى الحرية الواضحة
۳. نشاء أن نعين معنى الحرية فقط لا غير في بحثنا
۴. إنّ علينا في مطلع هذا البحث أن نعين معنى الحرية

۲۲ - غرب فلسفه آزادی را در ارضای تمایلات وخواست ها وهوی وهوس های مادی می داند:

۱. يبحث الغرب عن الحرية في إرضاء الأهواء والرغبات المادية التي سيطرت عليهم
۲. ويفلسف الغرب الحرية باعتبارها إرضاء للميول والرغبات والأهواء المادية
۳. بحثت الفلاسفة عن الغرب في الميول والأهواء وإرضاء المادية
۴. فلسفة الغرب هي إرضاء الميول والرغبات والأهواء المعنوية عندهم

۲۳ - قرآن مسأله آزادی را در قالب توحید بیان می کند وبه تقید وتعهد والتزام انسان با اطاعت فرمان خدا دعوت می نماید:

۱. القرآن الكريم طرح الحرية من ضمن اطار التوحيد ولا يريد من الإنسان غير طاعته
۲. القرآن الكريم يطرح مسأله الحرية في إطار التوحيد ويدعو إلى تقيد الإنسان والتزامه بطاعه الله
۳. الإلتزام والتقيد من أهم المسائل التي يدعو بها القرآن من أجل الوصول إلى الحرية
۴. الإلتزام بطاعه الله وتقيد الإنسان هي أهم المسائل المطروحة في القرآن الكريم

۲۴ - ابراهيم بت ها را می شکند وپیامبر اسلام بت ها را به بدی یاد می کند وسر انجام دستور سرنگونی آنها را صادر می کند:

۱. ابراهيم عليه السلام يحطم الأصنام والنبى أيضاً يحطمها بأشد منه وصدر أيضاً بتحطيمها
۲. إبراهيم عليه السلام حطم الأصنام ورسولنا أيضاً حطمها وبالتالي أصدر بتحطيم ما بقي منها
۳. لقد حطم إبراهيم عليه السلام الأصنام ووصمها رسول الإسلام بكل سوء وأصدر بالتالي أمراً بتحطيمها
۴. لقد فاز بتحطيم الأصنام إبراهيم عليه السلام وكسرهما النبى صلى الله عليه وآله وسلم بكل ما لديه ثم أصدر تحطيم أصنام أخرى

۲۵ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می کند که تفتیش عقاید ممنوع است:

۱. این دستور جمهوری اسلامی میمنع من تفتیش العقائد ولا یسمح لأحد أن یفعل ذلك
۲. الدستور الموجود فی ایران لا یصرح بتفتیش الناس علی الخصوص عقائدهم
۳. الدستور الإسلامی فی ایران قد صرح عدة مرات بعدم جواز الفحص للتفتیش العقائد
۴. این دستور الإسلامی للجمهوریة الإسلامیة فی ایران یصرح بعدم جواز تفتیش العقائد

۲۶ - بازرسی و نرساندن نامه ها ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی ممنوع می باشد:

۱. ممنوع التفحص فی الرسائل وعدم إرسالها وسمع المكالمات الهاتفیة
۲. این تفتیش الرسائل وعدم إیصالها والإنصات إلی المكالمات التلفونیة ممنوع
۳. الإستماع إلی المكالمات التلفونیة وعدم إیصال الرسائل قد منع لفترة طویلة
۴. این ما یمام به الیوم هو تفتیش الرسائل والإنصات لما تقوله الناس عبر الهواتف ممنوع

۲۷ - از آغاز نیمه دوم قرن اول هجری خلافت اسلامی به حکومت جابرانه پادشاهی بدل گشت:

۱. ففی بدایة النصف الأول للقرن الثانی للهجرة تبدلت الخلافة الإسلامیة بالملکیة
۲. فی أول النصف الثانی للهجرة انتهت الخلافة الإسلامیة واستبدل الحكم بطابع الملکی
۳. ففی بدایة النصف الثانی للقرن الأول الهجری غلب طابع الملکیة علی الخلافة الإسلامیة
۴. فی أول النصف الآخر للقرن الثانی للهجرة غلب الطابع الإسلامی علی الطابع الملکی

۲۸ - تاریخ نتوانسته است ترسیم روشنی از دوران ده ساله زندگی امام هشتم در زمان هارون وبعد از او را به ما ارائه کند:

۱. تُعَب التاريخ منذ عشر سنوات مما قام به هارون الرشید ضد الإمام الثامن فلذلك ترک تسلیط الضوء
۲. لقد عجز التاريخ عن تسلیط الضوء علی فترة عشر سنوات من حیاة الإمام الثامن فی عهد هارون وعقبیه
۳. لقد عجز مؤلفو التاريخ مما رؤا فی عشر سنوات من حیاة الإمام الثامن فی عهد هارون وأخیه
۴. قد أعجز التاريخ ورفع تسلیط ضوءه عن السنوات التی تُعَب فیها الإمام الثامن منها فی عهدی هارون وأمین

۲۹ - این تدبیر می توانست فکر شیعی را هم ردیف بقیه عقاید و افکاری که در جامعه طرفدارانی داشت قرار دهد:

۱. هذا الفكر الشیعی وتدبیره هو الذی إستطاع أن یجعل له أصحاب عند أصحاب العقائد الأخری فی العالم
۲. من مقدور هذه الخطة أن تقوم بتدبیر صحیح إتجاه العقائد اللا مذهبیة وافکارها واصحابها
۳. کان لمقدور هذه الخطة وهذا التدبیر أن یجعل الفكر الشیعی فی مصافی العقائد والأفکار التی کان لها أتباع أیضاً
۴. این هذه الخطة والتدبیر التی یكون لها هو الذی یجعل الفكر الشیعی له معارضین فی مصافی العقائد

۳۰ - ششم آنکه در پندار مأمون امام با این کار به یک توجیه گر دستگاه خلافت بدل می گشت:

۱. سادساً كان في تصور المأمون أنه بهذا العمل سيتخذ من الإمام مستشاراً لنظام الخلافة
۲. المأمون كان يفكر بهذا العمل لكي يرضى الجميع على أن الإمام سيكون من مستشاريه
۳. سادساً أحب مأمون من أن يكون الإمام من مستشاريه إذا ذُاء الإمام لنظام الخلافة
۴. المأمون ماكان يتصور أن الإمام يستطيع أن يكون خليفه فلهذا أُرزاد منه أن يكون مستشاراً له

شماره سوال	پاسخ صحیح
1	الف
2	ب
3	ج
4	د
5	ب
6	الف
7	ج
8	د
9	الف
10	ب
11	الف
12	د
13	الف
14	ب
15	ج
16	د
17	ب
18	الف
19	ج
20	الف
21	د
22	ب
23	ب
24	ج
25	د
26	ب
27	ج
28	ب
29	ج
30	الف